



Received:
2023-12-09
Revised:
2024-02-04
Accepted:
2024-11-10
Published:
2024-11-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Investigating the Relationship between Political Instability and Information Warning System in a Political System

Majid Hajiani¹ | Yaser Emamzade²

Abstract

For political instability, many indicators have been presented, but so far there has been no research on its common components with an informational warning structure based on which policymakers pay attention. Warning is a part of security and information sciences that warn based on the system of signs and with this approach can be closely related to political instability. Warning based on the system of signs, the policymaker and decision-makers are aware of a definite danger to help them continue their policymaking. By correctly depicting the relevance of information alerting to indicators of political instability, it is possible to design and provide an appropriate framework between the two issues. The issue of this research is how the general framework of information instability and warning can be adjusted and monitored so that information warning can be linked with political instability so that these two categories can be combined. For the validity and validity of the developed framework, the cases were reviewed through experts and they confirmed the calculated framework. The results of this study showed that some components of political instability have close and collateral relationship with the signs of a security and intelligence warning system. In general, information alerting as an independent dependency on political stability as an independent variable has close interaction. In this regard, information elements should also follow instability phenomena with a social perspective so that they do not have any problems or challenges in providing security alerts.

Keywords: Political Instability; Information Alerting; Semiotics.

1. Corresponding author: University lecturer, doctoral student in security research at Imam Baqer University, Tehran, Iran
Hajiani.114@Gmail.com
2. Member of the faculty of the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.8.5

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی چارچوب رابطه بی‌ثباتی سیاسی با نظام هشداردهی اطلاعاتی

مجید حاجیانی^۱ | یاسر اسماعیل‌زاده^۲

۶۳

سال هفدهم
تابستان ۱۴۰۳
صص: ۲۵۷-۲۱۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



چکیده

ثبات بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات کننده که به شکل تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت، مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز با قدرت سیاسی منجر می‌شود. برای بی‌ثباتی سیاسی، شاخص‌های زیادی ارائه شده اما تا کنون پیرامون مولفه‌های مشترک آن با یک ساختار هشداردهی اطلاعاتی، پژوهشی انجام نشده است. هشداردهی جزئی از علوم امنیتی و اطلاعاتی است که بر اساس نظام نشانه‌ها، هشدار داده و با اتکاء بر آن نظام نشانه‌ها، سیاستگذار و تصمیم‌گیران را از بروز خطری قطعی آگاه می‌نماید. در سیر انجام این پژوهش با روش داده‌بنیاد و بررسی و اجرای مصاحبه‌های عمیق شش عامل و یا مولفه شامل تاثیر بی‌ثباتی بر مرجعیت امنیت، تاثیر بی‌ثباتی سیاسی به زیرساخت‌های حیاتی و حساس، آسیب پدیده بی‌ثباتی به سرمایه اجتماعی نظام سیاسی، تبدیل پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تغییر رژیم سیاسی، تبدیل پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تجزیه طلبی قومی و تاثیر پدیده بی‌ثباتی سیاسی بر قدرت دفاعی-امنیتی احصاء شد. در ادامه الگوی مناسب هشداردهی اطلاعاتی برای بی‌ثباتی سیاسی نیز طراحی و ارائه شده است. برای روایی و اعتبار چارچوب تدوین شده نیز موارد از طریق خبرگان بررسی و آنها نیز چارچوب احصاء شده را تایید نمودند. نتایج نشان داد که برخی از مولفه‌های بی‌ثباتی سیاسی با نشانه‌های یک نظام هشداردهی امنیتی و اطلاعاتی دارای رابطه نزدیکی بوده و به عنوان وابسته مستقل بر ثبات سیاسی به عنوان متغیر مستقل دارای تعامل نزدیکی هستند. در این زمینه عناصر اطلاعاتی بایستی با نگاه اجتماعی نیز پدیده‌های بی‌ثباتی را دنبال تا در ارائه هشدارهای امنیتی دچار مشکل یا چالش نگردند.

کلیدواژه‌ها: بی‌ثباتی سیاسی، هشداردهی اطلاعاتی، نشانه‌شناسی

۱. نویسنده مسئول: مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری رشته پژوهشگری امنیت دانشگاه امام باقر(ع)، تهران، ایران
Hajjani.114@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.8.5



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

موضوع ثبات و بی‌ثباتی^۱ سیاسی از مقوله‌های محوری علوم سیاسی است و همواره از دغدغه‌های حاکمان بوده تا با دوری از آن، بتوانند حکمرانی خود را تداوم و پایدار نمایند. تاریخ سیاسی بشر، برای همه نسل‌ها جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها، شورش‌ها و ترورها را ثبت کرده و به خوبی نشان داده است که همواره افرادی وجود دارند که علیه زمامداران خود شورش کنند. در عین حال، در دوران معاصر، وضعیت کشورهای مختلف از حیث ثبات سیاسی به صورت چشمگیری متفاوت بود (گر، ۱۳۷۶: ۲۴). از این رو، اگر گفته شود که ثبات یا پایداری همواره یکی از اهداف مهم حاکمان سیاسی بوده، سخن مستدلی بیان شده است (برچر و ویلکنفلد، ۱۳۸۲؛ زاک، ۲۰۰۰؛ گات و همکاران، ۲۰۰۲: ۲). اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را عبارت از نظم و ثبات یا زائد و غیرضروری جلوه دادن ارتکاب خشونت به‌ویژه به منظور رویارویی با اقتدار حکومت‌ها تلقی نموده و بالتبع کنش‌های جمعی اعتراضی را، به خصوص وقتی خشونت به دنبال آنها باشد، نشانه ناکارآمدی نهادهای سیاسی و جزء جدایی‌ناپذیر مفهوم بی‌ثباتی سیاسی محسوب کرده‌اند (جانسون، ۱۳۶۳؛ بدیع، ۱۳۸۰؛ آلموندو همکاران، ۱۳۸۱). با این حال تا جایی که تاریخ اجتماعی بشر حکایت دارد، همواره گروه‌هایی از افراد وجود داشته‌اند که علیه زمامداران سیاسی شان اقدام به اعتراض و شورش کنند. ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ بیشتر جوامع به وقوع پیوسته و در تاریخ بسیاری از آنها امری مزمن بوده و هیچ نسلی در هیچ کشوری از جهان مدرن نیز از آن رهایی نداشته است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۴). این امر خاص یک منطقه یا یک کشور خاص نبوده و نظام‌های سیاسی مختلف در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۴). ساندرز معتقد است: «معیاری که بتوان به‌وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی‌ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آنکه تا چند حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند. مسلم است که این الگو خود با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود» (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱).

1. Instability & Variation & Inconstancy.

(جمله این قسمت بنا به نظر داور محترم حذف شد) تشخیص این علائم و نشانه‌ها فارغ از اینکه وظیفه جامعه‌شناسان، خبرگان، نخبگان جامعه بوده، از وظایف و ماموریت‌های سازمان‌های اطلاعاتی است. در این راستا یکی از وظایف سازمان‌های اطلاعاتی، پیش‌بینی بحران‌های اجتماعی در داخل و خارج از کشور و هشداردهی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران برای پیش‌گیری از غافل‌گیری راهبردی است. سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی (هم) که داعیه مدیریت تحولات جهانی را دارند، از چند دهه گذشته نیاز به پیش‌بینی علمی پدیده‌های اجتماعی مانند بی‌ثباتی سیاسی را احساس کردند (محمدی‌لرد، ۱۳۹۱: ۹۲). آنها دریافتند، که وقوع بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای مختلف جهان، می‌تواند منافع ملی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. آمارهای جهانی هم افزایش بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته را نشان می‌داد. به عنوان مثال، از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نسبت کشورهای داخلی که جنگ داخلی را تجربه کردند از هفت درصد به بیست و هشت درصد افزایش یافت و از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۰۵، بیش از صد و چهل جنگ داخلی در سرتاسر جهان باعث کشته شدن بیست میلیون نفر و آوارگی هفتاد میلیون نفر شد (رجب‌زاده و طالبان: ۱۳۸۶، ۵۵)، همچنان که تد رابرت گر^۱ اذعان کرد «پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان، شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است همه این ملاحظات سبب شد بی‌ثباتی سیاسی به عنوان موضوع تحلیلی در دستور کار سازمان‌های اطلاعاتی قرار گیرد (محمدی‌لرد، ۱۳۹۱: ۹۲). با این مقدمات می‌توان رابطه سازمان‌های اطلاعاتی با ثبات سیاسی را با دیدگاه سیستمی و تصور دولت به عنوان یک ماشین (نیز) تبیین نمود. سیستم (در اینجا) مجموعه‌ای از عناصر متعامل است که در ارتباط با محیط پیرامون خود هدفی را پیگیری می‌کنند، بسته‌ای مثل یک ساعت که بدون ارتباط موثر با محیط و فقط بر اساس قانون‌مندی تحمیل شده توسط ساختار درونی و قوانین تحمیل شده توسط ساختار درونی و قوانین علی ذاتی‌اش عمل می‌کنند سیستم ایستا نامیده می‌شود و به سیستمی مانند بدن انسان که در ارتباط با محیط نیازمند ایجاد تغییر در عناصر خود و تطبیق با محیط می‌باشد سیستم پویا می‌گویند (ساندرز: ۱۳۸۰، ۷۶، ۷۱).

1. Ted Robert Gurr

برخی از سازمان‌های اطلاعاتی برای ایجاد و حفظ ثبات سیاسی به شناسایی و سرکوب علل فاعلی بی‌ثباتی سیاسی پرداخته و ثبات را از طریق اجبار به وجود می‌آورند. برخی دیگر تلاش خود را بر بهبود کارکرد دولت از طریق نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌های دولتی متمرکز نموده‌اند. در دهه‌های اخیر بی‌ثباتی‌های سیاسی به دلیل فراوانی آثار و پیامدشان به کانون توجه دولت‌ها و پژوهشگران تبدیل و مورد مناقشه قرار گرفته است و آن هم به دلیل نقشی است که در تداوم یا عدم تداوم یک نظام ایفا می‌کند پیچیدگی آن به دلیل نامشخص بودن ثبات سیاسی است که موجب تداوم یا عدم تداوم یک نظام سیاسی می‌شود و مفهومی مورد مناقشه است زیرا نمی‌توان گفت هر ثباتی برای یک نظام سیاسی مطلوب است و نشانه کارکرد درست نظام سیاسی و رضایت عمومی جامعه است و بالعکس. همچنین پرداختن به نوع نظام سیاسی و چگونگی اهمیت آن مواجهه و نگاه به آن، رویکردهای متفاوتی ایجاد می‌کند (صادقی: ۱۱۴، ۱۴۰۰). مطالعه پژوهش‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی نشان داده که اغلب سازمان‌های اطلاعاتی که نتایج پژوهش‌های علمی خود را منتشر می‌کنند، برای پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی از روش‌های کمی به ویژه تحلیل رگرسیون استفاده می‌کنند. آنها از طریق تحلیل رگرسیون ابتدا همبستگی میان متغیرها را سنجیده و سپس، تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل را تخمین می‌زنند. نکته اصلی اینجاست که همبستگی به معنای هم‌تغییری میان متغیرهاست؛ زمانی که افزایش یا کاهش در یک متغیر همراه با افزایش و کاهش در متغیر دیگر باشد. بنابراین، وجود همبستگی میان دو متغیر بیانگر آن نیست که یکی از متغیرها علت متغیر دیگر است (ساعی: ۱۲۱، ۱۳۸۸)، اما برای پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی، لازم است روابط علت و معلولی تعریف شود (پورعزت، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

با این توصیف کارشناسان و یا مسئولان سازمان اطلاعاتی بایستی همواره، فضا و وضعیت سیاسی جامعه را رصد و پایش نمایند تا به شاخص‌های بی‌ثباتی دست پیدا نمایند. در این عرصه کارشناس امنیتی بر اساس نظام نشانه‌ها و یا نشانه‌شناسی که از قبل برای آن تعاریفی ارائه کرده، و یا فرایند و میزانی (سطح و وزنی) که برای آن تعیین کرده و یا بر اساس تجربه به آنها رسیده، پی به بی‌ثباتی سیاسی در جامعه برده و در ادامه اقدامات خود از جمله هشداردهی یا «هشدار» را به سیاست‌گذاران نظام سیاسی ارائه می‌دهد. ممزوج کردن و یا پیوند بین این دو مقوله با همدیگر

مورد توجه نویسندگان قرار گرفته تا بتوانند با رویکردی علمی و روش‌مند، نشانه‌های هشدار اطلاعاتی^۱ و بی‌ثباتی را شناسایی و روزه جدیدی در پیوند دادن بین مطالعات اطلاعاتی و علوم سیاسی برقرار نمود.

۲- طرح مساله

برای بیان مساله ابتدا به رویدادهایی که در دهه ۷۰ تا ۸۰ در برخی کشورهای جهان سوم رخ داد اشاره می‌شود که با انجام اعتراضات مردمی به سرعت شکل آشوب می‌گرفت، در صورتی که در کشورهای غربی، این نوع وقایع و کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز هدایت می‌شد. این تفاوت سبب شد پژوهشگران مختلف، مطالعات خود را بر علل و ریشه‌های بی‌ثباتی سیاسی متمرکز کردند که در این میان، نقش سازمان‌های اطلاعاتی برای شناخت ابعاد پدیده‌های بی‌ثبات‌ساز، مهم بوده تا این‌جاء به وجود آمده را رفع کند.

به‌طور اساسی با نبود ثبات سیاسی، پایداری جامعه دچار چالش شده و امنیت که یکی از ابعاد مهم و اساسی اداره حکومت یا جامعه بوده دچار چالش شده و تهدیداتی به وجود خواهد آمد که ثبات را بر هم زده و در نتیجه جامعه دچار بی‌ثباتی خواهد شد. پس به گونه‌ای می‌توان گفت که خروجی اولیه بی‌ثباتی از هم گسیختن امنیت جامعه است. پیوند و نسبت دو مقوله بی‌ثباتی و ناامنی با یکدیگر در شرایط خاصی شکل گرفته که با واکاوی دقیق به نقش و اهمیت آنها، تداوم امنیت و ثبات جامعه، بهتر و منطقی می‌توان به دو موضوع ناامنی و بی‌ثباتی جامعه خواهد رسید. یکی از ابزارهای مهم رسیدن به مقوله ناامنی یا تهدید به معنای اعم آن در یک جامعه و رای نظریه‌های امنیتی در مکاتب گوناگون، شناخت نظام «هشداردهی امنیتی یا اطلاعاتی» است. هشداردهی موضوعی محوری در مطالعات امنیتی است، که نقش اساسی در کمک به حاکمان و تصمیم‌گیران جامعه برای مقابله با پدیده‌های ضدامنیتی دارد. در این بخش تحلیل‌گر امنیتی پس از بررسی پدیده‌های بی‌ثبات‌کننده جامعه، و ارزیابی نظام نشانه‌ها، بر اساس روش خاص خود، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران حکومت را به حل و یا مدیریت مسائل امنیتی کمک می‌نماید. مسئله پژوهش حاضر، ابتدا خلاء یا چالش یافتن رابطه‌ی وثیق و منطقی بین دو مقوله بی‌ثباتی سیاسی و هشداردهی اطلاعاتی است. در مرحله بعد نبود شاخص‌ها یا گزاره‌هایی که بتوان محدوددهی

1. Warning Intelligence

بی‌ثباتی و اعلام هشدار را شناسایی نمود و آنها را با همدیگر ممزوج نموده است. با حل این دو چالش، نظام سیاسی در چه مرحله‌ای می‌تواند پدیده‌های به وجود آمده را بی‌ثباتی قلمداد نموده و یا نظام هشداردهی امنیتی، با پی بردن به یک‌سری علائم و نشانه‌ها بتواند، هشدار به موقع و صحیح خود را ارائه و حاکمان و به‌طور کلی نظام سیاسی را نسبت به مقوله‌های مرتبط حساس یا هوشیارتر کند، کمک شایانی به نظام سیاسی و اطلاعاتی خواهد کرد.

اهمیت و ضرورت

با نگرش‌های مثبتی به موضوع می‌توان گفت که شناخت پدیده‌های بی‌ثبات‌زا، حل و یا مدیریت آنها موجب ثبات سیاسی هر جامعه‌ای شده و از بی‌ثباتی سیاسی جامعه جلوگیری خواهد کرد. ضمن اینکه با ارائه هشدار صحیح و به موقع، از بروز ناامنی یا ظهور و بروز یک پدیده تهدیدزا جلوگیری خواهد شد. نکته دیگر اینکه؛ شناخت و شناسایی ابعاد و یا گزاره‌های ربط و اتصال دو مقوله بی‌ثباتی و هشداردهی امنیتی از این حیث اهمیت دارد که شناخت رابطه این دو مقوله در سیاست‌گذاری بهتر و اداره صحیح جامعه نقش مهمی را ایفا کرده و تصمیم‌سازان را در اداره منطقی نظام سیاسی رهنمون خواهد کرد.

در بعد سلبی نیز می‌توان گفت با عدم توجه و یا پرداختن به نقش و کارکرد هشداردهی در بروز بی‌ثباتی سیاسی، حکومت‌ها خود را از ظرفیت‌های دیگر برای ثبات‌سازی محروم ساخته و منجر به نادیده گرفتن این مقوله در ساختار سیاست‌گذاری نظام‌های سیاسی خواهد شد. بالتبع هر چه که پیش می‌رویم رابطه دو مقوله ثبات سیاسی و هشداردهی بیشتر برای سیاست‌گذاران روشن شده و در اثر بی‌توجهی می‌توان زمینه‌های بی‌ثباتی و در نتیجه ناامنی را در جامعه سرعت ببخشید. اهمیت مفهوم بی‌ثباتی در نظام‌های سیاسی موضوعی مهم، پیچیده و مورد مناقشه است. (دو جمله حذف شد) از این رو مطالعه مفهوم ثبات و بی‌ثباتی مورد توجه جامعه‌شناسان سیاسی با رویکردهای مختلف قرار گرفته و تاکید بر هر کدام، میزان کارآمدی و ناکارآمدی و میزان تغییر اجتماعی مورد نیاز را نشان می‌دهد.

سؤال و فرضیه و هدف

این مقاله چون به صورت اکتشافی و با روش کیفی (داده بنیاد) انجام گرفته، نمی توان برای آن سوالی مطرح کرد و بالتبع نیز فرضیه‌ای هم برای آن در نظر گرفته نمی شود. هدف پژوهش ممزوج نمودن دو مفهوم بی ثباتی سیاسی با هشداردهی اطلاعاتی مبتنی بر نظام نشانه‌ها و علائم به منظور ارائه الگوی و مدلی برای نظام هشداردهی است.

پیشینه

با وجود انجام پژوهش‌هایی پیرامون بی ثباتی سیاسی اما مطالعه‌ای مبتنی بر وجود رابطه با هشداردهی اطلاعاتی انجام نشده است. با این حال برخی از پژوهش‌های بی ثباتی را که بیشترین ارتباط مفهومی با هشداردهی اطلاعاتی داشته، ارائه می شوند.

نویسندگان	عنوان	خلاصه مطالب و نتایج	تاریخ پژوهش
غریباق‌زندی و صادقی	مقاله‌ی الگوی مفهومی ثبات و بی‌ثباتی در تداوم یا عدم تداوم نظام‌های سیاسی: علل، روند و نتایج	با گسترش تاسیسات تمدنی، بیشتر مورد توجه بوده و از موضوعات تابع این نظریه کلان، تعادل اجتماعی است و زمانی که از بین می‌رود، کلیت نظام سیاسی به تبع نظام اجتماعی دچار بی‌ثباتی سیاسی شده و مداوم تغییرات سیاسی تجربه می‌شود. مقاله به دنبال الگوی مفهومی به واسطه درک علت آن نوعی فشار سیاسی از خارج برای تغییر الگوی ارزشی و پاسخ حکومت، با روش مسالمت‌آمیز/قهرآمیز که می‌تواند در افزایش/کاهش بی‌ثباتی سیاسی نقش ایفا کند تا زمینه مطالعات تجربی را ارتقاء دهد.	۱۴۰۱
دلآوری	مقاله‌ی درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی: مدلی جامع برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی	اشاره دارد که در دهه‌های اخیر بی‌ثباتی‌های سیاسی، آثار و پیامدهایشان، کانون توجه بوده اما از کلیات، مفهوم سازی‌ها و مدل‌های قدیمی فراتر نرفته و پژوهش روش‌مند و راهگشا، نیازمند مواجهه‌ای انتقادی با ادبیات موجود و بازاندیشی در مفاهیم، شاخص‌ها و ابزارهای سنجش و تحلیل بی‌ثباتی است و بیان داشته؛ لازم است متغیرهای ذهنی (نظام ادراکات سیاسی و فرهنگ سیاسی جوامع مورد	۱۳۹۴

نویسندگان	عنوان	خلاصه مطالب و نتایج	تاریخ پژوهش
		مطالعه) و ابعاد تاریخی (پیشینه‌ها و تجربیات سیاسی مردم و دولت‌ها) و گونه‌های جدید رویدادهای بی‌ثبات کننده مورد توجه قرار گیرد و برای سنجش بی‌ثباتی، مدلی را ارائه کرده است.	
طالبان و رجب‌زاده	مقاله‌ی تبیین جامعه شناختی بی‌ثباتی سیاسی	استدلال‌های اصلی نظریه‌های بی‌ثباتی سیاسی یعنی محرومیت نسبی، بسیج منابع و وابستگی/نظام جهانی در قالب فرضیات تحقیق استخراج، فرموله و بر مبنای دلالت‌های مشترک آنها مدلی نظری ساخته که حاوی سازه‌های اصلی نظریه‌ها و پیوند دهنده آنها بود. در انتها مدل نظری با داده‌های ۱۴۷ کشور در یک دوره بیست ساله، میزان انطباق و تناظر پیش‌بینی‌های هر یک از این نظریه‌ها با شواهد بین کشوری ارزیابی شده که نتایج نتوانست سه دیدگاه نظری بی‌ثباتی سیاسی را کاملاً تایید یا ابطال کند و یافته‌ها دلالت تامی برای هیچ یک از تئوری‌ها نشان نداد و برخی از پیش‌بینی‌های هر یک از این سه نظریه تایید و برخی ابطال شدند. نتایج صحه گذاشته که هرگز یک نظریه نیست که توافق کامل با عالم واقع دارد، بلکه چندین نظریه در عرض بوده که توافق ناکامل با جهان تجربی دارند.	۱۳۸۶
سعیدی	مقاله چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه ج.ا. ایران»	مقاله در پی تحلیل پیوند دو مؤلفه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی و ارائه چارچوبی است که بتوان تأثیر ثبات سیاسی را بر رقابت سیاسی سنجید. مفاهیم مهمی چون رقابت و ثبات سیاسی را تحلیل و بر اساس آن ساختار نظریه‌ای استوار شود که از قابلیت لازم برای تغییر رفتارهای سیاسی و ارائه تجویز برای سیاست‌های آتی برخوردار باشد. نویسنده با نگاه به شرایط ج.ا. ایران، در پی بنای یک چارچوب نظری بومی است.	۱۴۰۰

تاریخ پژوهش	خلاصه مطالب و نتایج	عنوان	نویسندگان
۱۳۹۱	<p>در مدل‌های پیش‌بینی برخی سازمان‌های اطلاعاتی پیرامون بی‌ثباتی سیاسی مورد آزمون قرار گرفته و علل ناکارآمدی آنها در پیش‌بینی تحولات خاورمیانه تبیین و مطابق فرضیه، مدل‌های پیش‌بینی کمی سازمان‌های اطلاعاتی، به دلیل اتکا به همبستگی به جای علت و فقدان شناخت عمیق از کیس‌ها و جامعه آماری، از قابلیت کمتری برای پیش‌بینی دقیق تحولات اجتماعی برخوردارند. برای آزمون فرضیه، ابتدا پیش‌بینی مدل‌های کمی برخی از سازمان‌های اطلاعاتی پیرامون تحولات خاورمیانه ارزیابی و سپس مدل کیفی رقیب برای پیش‌بینی بی‌ثباتی سیاسی ابداع شده است.</p>	<p>مقاله بهبود پیش‌بینی در تحلیل اطلاعاتی؛ مطالعه موردی بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه»</p>	محمدی‌لرد
۱۳۹۲	<p>شناخت علت پدیده‌های اجتماعی از طریق آزمون‌های همبستگی آماری میسر نیست. برای غلبه بر این مشکل روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی برای شناخت علت پدیده‌های اجتماعی ابداع که ریشه‌های کیفی دارد، علت لازم و کافی بروز یک پدیده اجتماعی آزمون هستند. وی با شناسایی علل سیاسی بی‌ثباتی، ابتدا طیف گسترده‌ای از متغیرهای موثر از تئوری‌های علوم اجتماعی احصاء و با مطالعه بین‌کشوری و مقایسه ۱۸۳ کشور آزمون تجربی انجام و علت‌های سیاسی بی‌ثباتی شناخته شد. نتایج نشان داد، در بین ۱۸ متغیر سیاسی، چهار متغیر فقدان حاکمیت قانون، فساد حکومت، عدم وفاق نخبگان و فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک، علل بی‌ثباتی سیاسی‌اند.</p>	<p>مقاله‌ی شروط سیاسی بی‌ثباتی (تحلیل تجربی بین‌کشوری)</p>	خرمشاد و محمدی‌لرد
۱۳۹۰	<p>مقاله در صدد پاسخ سوال؛ سازمان‌های اطلاعاتی چطور بر ثبات سیاسی تاثیر گذاشته و مانع بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند. نتایج نشان داده که تاثیر</p>	<p>مقاله سازمان‌های اطلاعاتی و ثبات سیاسی</p>	محمدی‌لرد

نویسندگان	عنوان	خلاصه مطالب و نتایج	تاریخ پژوهش
		سازمان‌های اطلاعاتی به عنوان متغیر مستقل بر ثبات سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نحوه تعامل آنها با متغیرهای واسطه‌ای چون محرومیت نسبی، انومی و فرصت‌های سیاسی، عوامل خارجی، مشروعیت، تنوع قومی و مذهبی، دموکراسی، جنبش‌های اجتماعی و ... ظهور می‌یابد. بهترین راهبرد سازمان‌های اطلاعاتی برای ثبات سیاسی، تمرکز بر تقدم شناختی بجای اقدام پنهان و مشارکت در سیاست‌گذاری بجای هشداردهنده است.	
حاجیان	مقاله‌ی «هشداردهی: نقش تحلیل‌های اطلاعاتی در پیشگیری از غافلگیری»	هدف اصلی از تحلیل‌های امنیتی - اطلاعاتی را آینده‌نگری و پیش‌بینی رویدادها در آینده بیان داشته تا از بروز بحران‌ها و شکست‌های امنیتی جلوگیری شود. وی اتخاذ رویکرد آینده‌نگرانه را منوط به استفاده از روش‌های رایج مطالعات آینده می‌داند. ایشان پس از تعیین احتمالات ممکن برای هر سناریو، مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها در قالب نظام هشداردهی مطرح و در نظام هشداردهی بایستی روند نوظهور دارای علائم ضعیف و نیز نیروهای پیش‌ران را مورد توجه قرار داده و در صورت تحقق این وضعیت و استقرار نظام هشداردهی، امکان بروز غافلگیری‌ها کاهش می‌یابد. استقرار نظام هشداردهی خود مبتنی بر تعیین، تأثیر و رتبه‌بندی احتمالات است	۱۳۹۰
برزنونی	مقاله‌ی حزم اطلاعاتی در سامانه‌ی هشداردهی آینده‌نگرانه؛ رهیافتی بومی	هشداردهی با نگاهی آینده‌نگرانه، اهمیتی ویژه در امور اطلاعاتی - امنیتی دارد تا با شناخت پیش‌دستانه فرصت‌ها و تهدیدها، احتمال بروز آسیب، خطر، تهدید و بحران را روشن کند. حزم، دوراندیشی و آینده‌نگری دانسته که شرطی عقلانی و کلیدی در هشداردهی اطلاعاتی - امنیتی و به عنوان رهیافتی	۱۳۹۹

نویسندگان	عنوان	خلاصه مطالب و نتایج	تاریخ پژوهش
		دینی شامل پنج مولفه کلان: احتیاط و ظن ورزی خردمندانه، کیاست و زیرکی مدبرانه، مشورت‌طلبی و مشورت‌پذیری فعالانه، فرصت‌جویی آگاهانه و بررسی و تصمیم‌شناخت‌مند هوشیارانه دانسته و الگوی تحلیل خود را اسنادی مکتوب قرار داده که با نگاهی اجتهادی به آن پرداخته است.	

مفاهیم، مبانی و چارچوب نظری

تعریف لنوی ثبات: در فرهنگ نامه‌های فارسی سه تلفظ از ثبات شده است. یک تلفظ، «ث» را ضمه داده و «ثبات» را دردی دانسته که آدمی را از حرکت باز می‌دارد (معین، ا.ج، ص ۱۱۸۶). تلفظ دوم «ث» را فتحه داده و «ثبات» را بر جای ماندن، قرار گرفتن، دوام یافتن، پایدار ماندن، پابرجای، استقرار، ثبوت، پایداری، استواری (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۲۶) بقا، پابرجایی، پافشاری و ایستادن معنی کرده است، و تلفظ سوم «ث» را کسره داده و «ثبات» را به معنی بند برقع، تسمه و مانند آن که بدان پالان را بندند، دوالی که بدان پالان را استوار کنند دانسته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۲۵). چنان‌که مشاهده می‌شود تمام معانی صورت گرفته از ثبات براساس درون‌مایه ماندن شکل گرفته است. گذشته از معانی مانند پابرجای ماندن، و پایدار ماندن که ماندن جزئی از آن را تشکیل داده در سایر معانی مانند دوام یافتن نیز واژه «ماندن» به طور ذاتی و جوهری وجود دارد. به همین ترتیب در ترکیباتی که از ثبات و واژگان دیگر ساخته شده درونمایه ماندن همچنان به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه علامه دهخدا آنجا که ثبات را مضاف حزم یا خواهش یا رأی یا قدم قرار می‌دهد آنها را به ترتیب استواری و هوشیاری در کار، پایداری اراده و عزم، استواری در رأی و ثبات عزم، و استقامت و پایداری معنا می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۲۶). دو برداشت کلی از واژه ثبات ارائه نمود: اول؛ ثبات به معنای سکون، این نوع ثبات در بعد سیاسی به معنای ثبات اقتدارگرایانه یا گورستانی است. دوم؛ ثبات به معنای ماندن یا دوام یافتن در عین بی‌سکونی و تحرک. این نوع ثبات در بعد سیاسی به معنای ثبات سیاسی پویا یا دموکراتیک است.

تعریف مفهومی بی‌ثباتی سیاسی: تعریف اولیه از ثبات (البته به شکل نقل قول ساندرز از دیگران) آن است که: «ثبات ناظر است بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی «بی‌ثبات کننده» که خواه به صورت تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت و خواه به صورت مسالمت‌آمیز یا حتی خشونت‌آمیز، به چالش با قدرت سیاسی موجود یا خود ساختار اقتدار سیاسی می‌انجامد» (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱) و این تعریف پیش گفته از ساندرز یعنی: «معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی‌ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آن که تا چه حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند، مسلم است که این الگو خود با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود»؛ درباره تعریف ساندرز دو نکته قابل ذکر است:

نکته اول؛ منظور از حکومت (مندرج در تعریف) مقامات سیاسی است؛ یعنی تصمیم گیرندگان اصلی که سیاست‌ها را در مقطع زمانی خاصی تعیین می‌کنند؛ منظور از رژیم قواعد حقوقی رسمی و غیررسمی است که حاکم بر حل مناقشات درون نظام است، و منظور از جامعه سیاسی آن بخش از نظام سیاسی است که به صورت گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط هستند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۲۰) درک تغییر رژیم و حکومت چندان مشکل نیست و جامعه سیاسی نیز فقط موقعی تغییر می‌کند که مرزهای جغرافیایی تغییر نماید.

نکته دوم؛ سنجش میزان انحرافی (یا تغییری) که در الگوی نظام نسبت به الگوی سابق پیش می‌آید با توجه به الگوهای فضایی و الگوهای زمانی ممکن است. مفهوم الگوی فضایی بر پایه این فرض استوار است که در هر کشور خاص، در برابر هر تغییر یا چالش معینی یک الگوی رایج یا «هنجار» کنش و واکنش سیاسی وجود دارد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۴۴) و الگوی زمانی به این معناست که حتی در یک نظام خاص، «الگوی متعارف» در طول زمان متفاوت است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۴۷). در این تعریف ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن شرایط زیر در فرایند تغییرات سیاسی و اجتماعی است ولی بالعکس بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده است که با از بین رفتن یکی از شرایط فوق ظهور و بروز می‌یابد. بدیهی است که هر چه نقطه ثبات سیاسی به

گوشه فوقانی مثلث (کارآمدی) نزدیک تر باشد پایدارتر خواهد بود ولی احتمال وقوع بی ثباتی برای نقاطی که به گوشه چپ مثلث (استیلا) نزدیکترند بیشتر است (ساندرز: ۱۳۸۰، ۷۱).



شکل ۱. مثلث ثبات سیاسی از دیدگاه ساندرز؛ مثلث ثبات (ساندرز: ۱۳۸۰، ۷۱)

ساندرز، این دسته از تعریف‌ها را، ژورنالیستی پنداشته و توجه به آنها را بسیار مهم شمرده و استدلال می‌کند که گرچه این تعریف‌ها، بر وضعیت‌های کوتاه‌مدت و گذرا مبتنی است و فاقد قطعیت است؛ اما از آنجا که حاوی نوعی درک تجربی است، از قدرت پیش‌بینی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و احتمال وقوع رویدادها یا تغییرات بی‌ثبات‌کننده را مطرح می‌کند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۷). ساندرز پنج ویژگی را برای یک تعریف مطلوب از ثبات/بی‌ثباتی به شرح زیر برمی‌شمارد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۱۶):

۱. از تفکیک سطحی ثبات/بی‌ثباتی احتراز نماید و در عوض آن را پدیده‌ای مستمر و نسبی بداند؛

۲. باید از مفهوم روزنامه‌نگارانه بی‌ثباتی در بخش زمانی آن تأثیر پذیرد و نشان بدهد که چون سطح بی‌ثباتی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند، لذا واحدهای زمانی به کار رفته در تحلیل‌ها باید بر پایه «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه‌مدت باشند؛

۳. باید تلاش کند حداقل بخشی از مفهوم روزنامه‌نگارانه بی‌ثباتی به عنوان عدم قطعیت را در جای خود جای دهد؛

۴. امکان پذیرش انواع متفاوتی از بی‌ثباتی را داشته باشد. این ویژگی که مهم‌ترین خصوصیت است به عملیاتی کردن تعریف کمک زیادی می‌کند؛

۵. باید تا سر حد امکان از اتهامات قوم‌محوری به دور باشد تا بتوان آن را در بین ملت‌ها و در مقاطع مختلف زمانی به کار گرفت (ساندرز، ۱۳۸۰).

در تعریف لرنر از ثبات سیاسی؛ حالتی است که در آن بین سه طیف نخبگان در زمینه‌های مختلف تعادل نسبی حاصل از عدم فاصله جدی بین آنها برقرار باشد و هر گاه این تعادل در اثر افزایش فاصله بر هم زده شود، بی‌ثباتی سیاسی دامنگیر جامعه خواهد شد. در این حالت، عمده‌ترین وظیفه نظام سیاسی حفظ این تعادل بین نخبگی است که می‌تواند نوسازی جامعه را بدون گسست‌های خشن در سیاستگذاری و در اجرا به پیش برد (لرنر، به نقل از خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۹۶). در ادامه رویکردهای بی‌ثباتی به شرح زیر پرداخته شده‌اند:

مکتب تداوم: بنیانگذار این مکتب سیمور لیپست^۱ بوده که طی یک طرح تحقیقاتی ریشه‌های ثبات سیاسی در اروپا و شمال آفریقا را با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سازوکارهای حفظ نهادهای سیاسی بررسی کرده است. حاصل بررسی وی آن بود که از دموکراسی‌های باثبات به عنوان نظام‌هایی یاد کرده که شاهد تداوم بی‌وقفه دموکراسی از زمان جنگ جهانی اول بوده و از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۵۹ فاقد جنبش سیاسی مهمی در مخالفت با قوانین یا اصول حکومت دموکراتیک بوده‌اند. به نظر ساندرز ثبات سیاسی از دیدگاه لیپست عبارت از استمرار انواع خاصی از نظام‌های سیاسی یا تداوم آنهاست (ساندرز، ۱۳۹۲: ۲۸). تداوم که مفهوم کلیدی تعریف ثبات از دیدگاه لیپست را تشکیل می‌دهد در سال‌های بعد از ۱۱۷۱ پيروانی مانند آلموند و وربا^۲، فیلد و کاسلز^۳ یافته که ایده لیپست را گسترش داده و از آن مکتبی به نام تداوم ساخته‌اند. آخرین برون‌داد این مکتب به اتکای تعریف اولیه لیپست تعریف واحد باثبات سیاسی به واحدی سیاسی است که ساختار نهادی کلی خاص خود را در طول زمان حفظ نماید (ساندرز، ۱۳۸۰، ۱۰۶) مهم‌ترین ویژگی تحلیل لیپست بررسی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی به عنوان وضعیت‌های جایگزین است. از این تحلیل چنین برمی‌آید که واحدهای سیاسی یا کاملاً باثبات یا کاملاً بی‌ثبات‌اند.

مکتب تحلیل عاملی: در این مکتب فرض بر آن است که بی‌ثباتی در مفهوم استمرار و نه انشعاب به طور مستقیم با تغییر نسبت فراوانی وقوع انواع خاصی از حوادث سیاسی تغییر می‌کند. از این دیدگاه، بی‌ثباتی دارای چارچوبی بسیار وسیع‌تر از نوسانات بین نظام‌های حکومتی

1. Lipset Seymour
2. Almond and Verba
3. Field and Castles

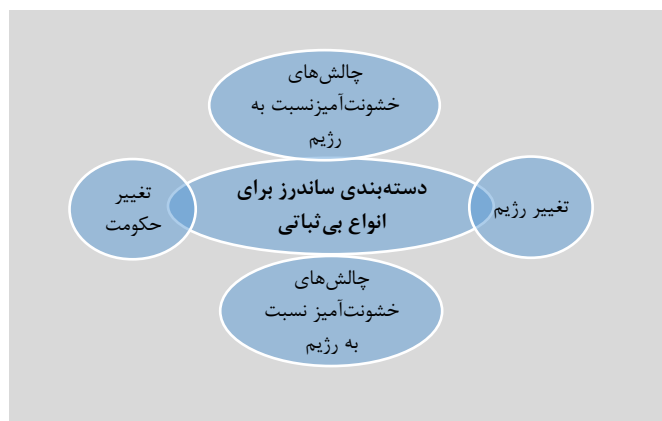
دموکراتیک و غیردموکراتیک است. در هر دوره زمانی هر قدر تعداد کودتاها، تغییرات حکومت، تظاهرات، شورش، آغاز جنگ چریکی، مرگ در اثر خشونت سیاسی که در کشوری رخ می‌دهد بیشتر باشد آن کشور بی‌ثبات‌تر محسوب می‌شود. به این ترتیب ثبات عبارت خواهد بود از عدم وقوع رفتارها یا حوادث بی‌ثبات کننده (ساندرز، ۱۳۸۰: ۶۰-۶۸).

مکتب روزنامه‌نگاران (ژورنالیستی): در این رویکرد که توسط روزنامه‌نگاران سیاسی ارائه شد، دو نکته مورد توجه است:

اول؛ تأکید روی وضعیت نسبتاً کوتاه مدت و همگام داشتن بی‌ثباتی با عدم قطعیت. منظور از وضعیت‌های سیاسی نسبتاً کوتاه مدت، دوره بسیار کوتاهی مانند چند روز، چند هفته یا حداکثر چند ماه است که وضعیت سیاسی کشور خاصی در آن مدت مورد توجه روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرد و عدم قطعیت به معنای آن است که روزنامه‌نگاران، برخلاف تجربه گرایان، بر پایه شواهد ضعیف‌تر و اغلب اوقات به خاطر رخداد تنها یک واقعه، اوضاعی را بی‌ثبات می‌خوانند. در واقع انتظار تحول در آینده نزدیک و نااطمینانی در مورد جریان وقایع سیاسی اساس برداشت روزنامه‌نگاران است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۹۴).

دوم اینکه؛ در اینجا ارائه تعریف از ثبات سیاسی با مشکل مواجه است و تنها این تعریف را می‌توان ارائه داد که: ثبات عبارت از حالتی است که در آن بنا بر تشخیص یک روزنامه‌نگار، حادثه‌ای که از دیدگاه او بی‌ثبات کننده است، رخ نداده باشد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۴). این گونه ثبات سیاسی، ثبات سیاسی لحظه‌ای نامیده می‌شود. این رویکرد نیز مورد نقد واقع شده است. برخی از صاحب‌نظران، پدیدار شدن رویدادهای خاص را نشانه‌ی بی‌ثباتی سیاسی پنداشته‌اند. صرف نظر از اینکه این رویدادها در چه نظام‌هایی رخ دهند و یا در عالم واقع به چه تغییرات سیاسی منجر شوند. هری اکشتاین^۱، ایو فایرابند و تد رابرت گار^۲، وقوع مکرر رویدادهای کم‌وبیش خشونت‌آمیز سیاسی نظیر ترور، کودتا، شورش و جنگ داخلی را (اکشتاین؛ ۱۹۷۲ و فایرابند و گر ۱۹۴۸) نیز نشانه‌ی بی‌ثباتی می‌دانند. خلاصه اینکه، تلاش‌های فراوانی برای مفهوم‌سازی و تدارک الگوها و ابزارهای سنجش و تحلیل بی‌ثباتی سیاسی صورت گرفته است که قابل استفاده و استناد است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۷۷).

1. Eckstein
2. Feierabend & Gurr



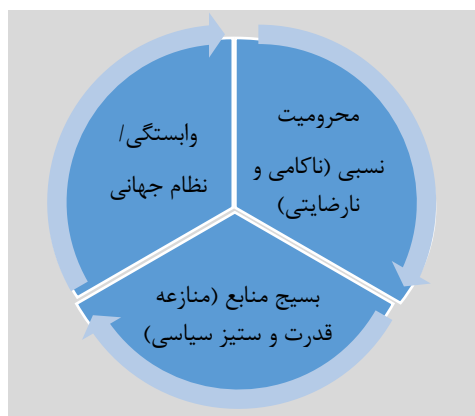
شکل ۲. دسته‌بندی انواع بی‌ثباتی سیاسی از نگاه ساندرز؛ (ساندرز، ۱۳۸۰: ۳۴)

بر اساس تعاریف ارائه شده از نگاه ساندرز، اکنون می‌توان گفت که بی‌ثباتی سیاسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، نظم سیاسی موجود، با چالش یا بحران مواجه شده و احتمال تغییرات سیاسی افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی معمولاً کارآمدی دستگاه‌های حکومتی کاهش می‌یابد؛ فعالیت‌های اقتصادی مختل می‌شود؛ احتمال خشونت‌های سیاسی بالا می‌رود؛ واگرایی‌های داخلی و مداخلات خارجی افزایش می‌یابد؛ امنیت روانی و اجتماعی تضعیف می‌شود و زمینه برای دگرگونی‌های غیرمترقبه فراهم می‌شود (دلوری، ۱۳۹۴: ۶۱). در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، که مقارن با دوره‌ی موسوم به جنگ سرد و همچنین وقوع انواع ناآرامی‌ها و انقلاب‌های سیاسی در کشورهای تازه استقلال یافته بود؛ بی‌ثباتی سیاسی به یکی از موضوعات اصلی در پژوهش‌های سیاسی تبدیل شد؛ اما در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۹ م، به دنبال آرام‌تر شدن فضای سیاسی و بین‌المللی، توجه پژوهشگران به این موضوع نیز کم‌رنگ‌تر گردید. اما از سال ۱۹۹۰ میلادی به این سو با گسترش دوباره و ظهور گونه‌های جدیدی از این بی‌ثباتی‌ها، توجه پژوهشگران و موسسات پژوهشی، مجدداً افزایش یافت (دلوری، ۱۳۹۴: ۶۱). برخی از پژوهشگران، از معرف‌های سیاسی فراتر رفته و برخی معرف‌های اجتماعی و اقتصادی را هم در تعریف بی‌ثباتی می‌گنجانند. رایس و پاتریک از پژوهشگران موسسه‌ی بروکینگز، که دولت ضعیف و شکننده را نشانه‌ی اصلی بی‌ثباتی سیاسی قلمداد می‌کنند؛ ناتوانی و عدم ظرفیت برای

«فراهم کردن شرایط توسعه اقتصادی»، «حمایت از نهادهای سیاسی قانونی»، «حفاظت از قلمرو»، «پیشگیری از مناقشات خشونت‌آمیز» و «تأمین حداقلی از رفاه عمومی» را به‌عنوان معرف‌های چنین دولتی ذکر می‌کنند (به نقل از محمدی‌لرد، ۱۳۹۲: ۸-۵۷).

از نگاهی دیگر؛ بی‌ثباتی سیاسی وضعیت و حالتی منبعث از تکرار وقایع و حوادثی خاص است که تداوم و پایداری یک حکومت و دولت را مورد تهدید قرار داده یا به چالش می‌خواند (طالبان، ۱۳۹۰: ۳۱). افتخاری ثبات سیاسی را توازن میان «خواست‌های مردمی» و «کارویژه‌های دولتی» تعریف کرده و استدلال می‌کند، چنانچه یک نظام سیاسی بتواند به خواسته‌های متنوع مردم پاسخ درخور و قانع‌کننده دهد و از جانب مردم تأیید گردد؛ آن نظام از ثبات برخوردار است؛ اما اگر کارآمدی دولت به هر دلیلی کاهش یابد و یا اینکه باور ملی بر نفی الگوی حاکم تعلق یابد، زمینه‌ی بروز نارضایتی فراهم می‌آید؛ که در صورت گسترش و تعمیق آن ممکن است به زوال مشروعیت سیاسی نظام و در نهایت بروز رفتارهای اعتراض‌آمیز که تجلی بیرونی بی‌ثباتی سیاسی هستند منجر گردد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶۵).

در این دسته از تعریف‌ها تمایزی میان نوع رویدادها و حوادث دیده نمی‌شود؛ به‌عبارت دیگر همان‌گونه که یک رویداد بزرگ (نظیر یک کودتا یا جنگ داخلی) نشانه‌ی بی‌ثباتی است؛ یک رویداد کوچک (نظیر یک شورش محلی) نیز نشانه‌ی همین وضعیت تلقی می‌شود. در چنین تعریفی، مقوله‌ی بی‌ثباتی سیاسی تا حدود زیادی از محتوای تحلیلی خود خالی می‌شود و متغیرهای دخیل نیز، ارزش نسبی خود را از دست می‌دهند. برای مثال، اگر بنا باشد علل بی‌ثباتی را بر اساس چنین مصادیقی دریابیم، چندان تفاوتی میان یک رویداد کوچک اداری یا اقتصادی محلی که به یک شورش محلی منجر شده با یک معضل سیاسی بزرگ ملی که یک جنبش اعتراضی فراگیر را به دنبال داشته است، تفاوت ماهوی چندانی دیده نمی‌شود (دلآوری، ۱۳۹۴: ۶۷). طالبان نیز اشاره دارد که؛ «بی‌ثباتی سیاسی وضعیت و حالتی منبعث از تکرار وقایع و حوادثی خاص است که تداوم و پایداری یک حکومت و دولت را مورد تهدید قرار داده یا به چالش می‌خواند» (طالبان، ۱۳۹۰: ۳۱). بر اساس مطالعات انجام شده سه سنت نظری در حوزه بی‌ثباتی بوده که در شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۳. طبقه‌بندی سه سنت نظری در حوزه مطالعات بی‌ثباتی سیاسی؛ (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۷)

سازمان‌های اطلاعاتی: سازمان‌ها یا سرویس‌های اطلاعاتی، به سازمان‌هایی اشاره دارند که به طور تخصصی برای جمع‌آوری سازمان‌های اطلاعاتی، اطلاعات پنهان سازمان یافته‌اند در تعریفی جامع‌تر، سازمان‌های اطلاعاتی به ساختارها و نهادهایی اطلاق می‌شود که با نظارت بر همه پدیده‌های آشکار و پنهان به تولید اطلاعات می‌پردازند (مک‌لین، ۱۳۸۷: ۴۸۸). سازمان‌های اطلاعاتی در ادبیات اطلاعاتی، فعالیت‌هایی که منجر به تولید اطلاعات با تعریف فوق از مفهوم اطلاعات می‌شود را فعالیت‌های اطلاعاتی و کنشگر مولد اطلاعات را سازمان اطلاعاتی می‌گویند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) در واقع، سازمان‌های اطلاعاتی، نهادها و ساختارهای اداری دولتی هستند که وظیفه آنها انجام فعالیت‌های اطلاعاتی و تولید اطلاعات است. سرویس‌های اطلاعاتی، به سازمان‌هایی اشاره دارند که به طور تخصصی برای جمع‌آوری سازمان‌های اطلاعاتی، اطلاعات پنهان سازمان یافته‌اند (مک‌لین، ۱۳۸۷، ۴۸۱). در تعریفی جامع‌تر، سازمان‌های اطلاعاتی به ساختارها و نهادهایی اطلاق می‌شود که با نظارت بر همه پدیده‌های آشکار و پنهان به تولید اطلاعات می‌پردازند و در مواقعی که اهداف مورد نظر آنها اقتضا کند در چارچوب اولویت‌های منفعتی خویش دست به اقداماتی به صورت نهانی می‌زنند. هدف اصلی فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی در یک کشور پیشگیری از غافلگیری در عرصه مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رسیدن به ثبات سیاسی است. برای سازمان اطلاعاتی که وظیفه پیشگیری از غافلگیری

راهبردی را بر عهده دارند یکی از اصلی‌ترین وظیفه آن، رساندن جامعه به ثبات سیاسی و کسب شناخت مورد انتظار سیاست‌مداران از پدیده‌هایی است که می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری آنها موثر باشد. وظیفه دیگر سازمان‌های اطلاعاتی تولید شناخت پنهان و نظارت بر عملکرد صحیح افراد و نهادهای مختلف کشور برای اجرای بهینه تصمیمات اتخاذ شده است. اطلاعات را می‌توان به صورت نشانه‌های سیاسی در سطح سیاست‌گذاری‌های ملی و همچنین به عنوان سمبل پاداش و مجازات به کار برد دلیل این مساله رازداری و رمز‌گونگی اطلاعات است (مایکل هرمان، ۱۳۹۳: ۴۵۷). آخرین وظیفه سازمان‌های اطلاعاتی اجرای عملیات‌هایی است که در راستای پیشبرد اهداف سیاست‌گذاران بوده و انجام به صورت آشکار مخاطراتی برای کشور ایجاد می‌کند. سازمان‌های اطلاعاتی، به عنوان بخشی از ساختار اداری دولت مدرن، چهار کارکرد اصلی دارند که عبارتند از:

الف- جمع‌آوری اطلاعات، جمع‌آوری را گردآوری اخبار از هر نوع منبع تعریف می‌کنند؛

ب- بررسی اطلاعات، نیز به کلیه اقداماتی که سازمان‌های اطلاعاتی برای تبدیل داده‌ها و اخبار به اطلاعات انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. این اقدامات شامل تحلیل، ترکیب، ارزیابی و تفسیر است. بررسی، فرآیند معنی‌دار کردن داده‌ها و اخبار مختلفی است که در مورد هر پدیده گردآوری شده‌اند.

پ- ضداطلاعات، کلیه فعالیت‌هایی است که سازمان‌های اطلاعاتی برای جلوگیری از اقدامات اطلاعاتی دولت‌ها و سازمان‌های خارجی و کنشگران غیردولتی، حفاظت از اطلاعات و اماکن راهبردی و طبقه‌بندی شده یا مقابله با اقدامات براندازانه علیه نظام سیاسی کشور انجام می‌دهند. جلوگیری از غافل‌گیری اطلاعاتی، فلسفه وجودی و هدف اصلی فعالیت‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و عرصه‌های غیردولتی یا افراد، از سوی کشورها، سازمان هر حادثه ناگوار یا شکست‌انگیز، نوعی شکست اطلاعاتی تلقی می‌شود (مک لین، ۱۳۸۷: ۴۱).

هشداردهی^۱: به معنای طراحی یک نظام منسجم از علائم وقوع شرایط جدید در آینده و ثبت منظم شواهد (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). هشدارها شاخص‌هایی^۱ هستند که از بروز بحران (و

1. Warning

به طور مشخص تر از شکل گیری غافلگیری) خبر می‌دهند. شاخص‌های اطلاعاتی آن دسته از علائم^۲ و نشانه‌هایی تلقی می‌شوند که در صورت رصد و پایش^۳ مستمر آنها می‌توان از آینده حوادث و کم و کیف وقوع آنها مطلع شد (Graboo, 2010, p: 12).

می‌توان گفت هشداردهی یک فرایند مهم پس از آینده‌نگری است و آینده‌نگری فی‌نفسه ارزش و اعتبار ندارد. الا اینکه شرایط پیش‌رو را به تصویر می‌کشد. اما هشداردهی نحوه شکل‌گیری و تکوین^۴ شرایط را مشخص می‌سازد. در واقع بوسیله هشداردهی تحلیل‌گران مکانیسم وقوع تدریجی پدیده را مشخص می‌سازند و با ایجاد پیش‌آگاهی در نزد تصمیم‌سازان زمینه‌های تحقق و عینیت یافتن تهدیدات پیش‌رو را به تصویر می‌کشند. لذا هشداردهی یک ابزار و تکنیک مهم برای پیشگیری است. ضمن آنکه هشداردهی بواسطه رصد و پایش مستمر محیط یا موضوع، تحولات و تغییرات احتمالی پدیده تحت مطالعه را که قبلاً پیش‌بینی نشده بود نیز نشان می‌دهد. این جنبه از کار هشداردهی از آنجا حائز اهمیت است که پدیده‌ها و روندهای امنیتی - بنا به ماهیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شان - از فرایند خطی پیروی نمی‌کنند و همواره احتمال و امکان تغییر در آنها وجود دارد هشداردهی با پی‌گیری مستمر شرایط هرگونه اعوجاج و انحراف پدیده از الگوهای پیش‌بینی شده قبلی را آشکار ساخته و شکل‌گیری آنگوهای جدید را به آگاهی می‌رساند. لذا هشداردهی اوج توانمندی یک سیستم اطلاعاتی را نشان می‌دهد چرا که درجه اشراف اطلاعاتی یک سیستم را ارتقاء می‌دهد (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در هشدارهای اطلاعاتی^۵ نیز با علائم و نشانه‌هایی روبرو هستیم که نشان دهنده به خطر افتادن منافع ملی و ارزشهای اساسی هستند. اما باید دقت کرد هشدارها بایستی نشان دهنده تحقق این شرایط باشند و نه آنکه شاخص‌های تهدید باشند. به عبارتی بین شاخص‌های تهدید (که ممکن است محقق شوند یا محقق شده‌اند) و هشدار تفاوت وجود دارد. هشدار صرفاً نشانه و علامت است و نه خود تهدید، مثلاً رزمایش مشترک کشور همسایه با قدرت خارجی رقیب و یا کشف مقادیر زیادی سلاح در نقطه مرزی نشان دهنده فشار و تهدید سیاسی - نظامی رقیب یا یک عملیات تروریستی است اما نه خود

1. Indicators
2. Signals
3. Monitoring
4. Generation
5. Intelligence Warning

عملیات نظامی یا تروریستی (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). غرض آن است که تاکید کنیم هشدارها در حکم نشانه و نماد و زمینه تحقق تهدید هستند و نه خود تهدید. اکنون باید به یک ویژگی مهم هشدارها که عبارت است «تمایزات تشخیص» تأکید شود. به این معنا که هر نظامی از هشدارها باید گویای شکل‌گیری یک تهدید خاص باشد و نه اینکه هر هشدار استعداد نمایش تهدیدات و بحران‌های متفاوت را داشته باشد. البته منظور مجموعه هشدارهای مربوط به یک تهدید است و نه صرف یک هشدار. چرا که در طراحی نظام هشداردهی در برابر بروز یک تهدید، بایستی مجموعه‌ای از شاخص‌ها و نشانه‌ها را بعنوان هشدارهای یک رخداد یا واقعه تهدیدآمیز در نظر گرفت (CISC, 2007, P: 12). هشدار تعیین احتمال بروز یک حادثه معین با توجه به بزرگی پیامدهای خاص آن حادثه است که منجر به شکل‌گیری یک تصور عمومی درباره خطرات و آسیب‌های پیش روی می‌شود و نوعی تصورات مخاطره‌ای را ایجاد می‌کند، با این امید که موجب تولید و تشدید حساسیت‌ها در نزد تصمیم‌گیرندگان شود و پاسخ‌های مخاطره‌ای را دریافت کند (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). به طور کلی؛ هشدارها و هشداردهی یک امر فرهنگی - اجتماعی است و بنابراین نوعی نسبت بر آن حاکم است و لذا در طراحی نظام هشداردهی باید بتوان بر این محدودیت یا مضیق‌ها فائق آمد چرا که نظام تصمیم‌گیری و مدیران اجرایی را نمی‌توان در شرایط کاملاً نسبی و متزلزل قرار داد. ایشان هشداردهی را روندی می‌دانند که از آینده‌نگری و آینده‌شناسی آغاز می‌شود که طی آن انواع حالات ممکن و محتمل شناسایی می‌شود و برای هر حالت یا احتمال نشانه‌ها و علاماتی در نظر گرفته می‌شود و در نهایت رصد و پایش شاخص‌های هشدار مورد توجه است. وی محصول نهائی هشداردهی را تعیین شکاف یا فاصله میان وضع موجود پدیده با پیش‌بینی‌های قبلی ارائه کرده البته ممکن است منجر به شکل‌گیری سناریوها یا پیش‌بینی‌های جدید بشود (برداشتی آزاد از حاجیانی، ۱۳۹۰).

بررسی لغوی نشانه: در فرهنگ آریان‌پور، نماد (نشانه) این گونه معنا شده است: نشان، علامت، رمز، اشاره، رقم، نشانی، نمونه. معنی مجازی کیش، عقیده، اعتقادنامه، نشانه خویشاوندی یا همبستگی و غیره، پند، مثل، گفته اخلاقی، کنایه، نمایش با علائم رمزی. در همین فرهنگ، درباره معنای سمبولیست نیز چنین آمده است: استعمال علائم رمزی، کسی که می‌تواند با مهارت، افکار و

1. Imaging Risk

عقاید خود را با علائم و شواهد بیان کند. کسی که نان و شراب عشای ربانی را نشانه بدن و خون عیسی (ع) می‌داند، کسی که طرفدار استعمال علائم رمزی در دین است (آریان‌پور کاشانی، جلد پنجم، ص ۳۲). در فرهنگ معین «سمبول» این گونه معنا شده است: شیئی یا موجودی که معرف موجودی مجرد و اسم معنی است؛ نشانه، علامت، مظهر. هر نشانه قراردادی اختصاری (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۸۶: ص ۳۲). نماد در زبان فارسی به معنای نمود، نما، نماینده به کار رفته است. دیگران هم آن را به معنای «سمبل» اصطلاح کرده اند. با وجودی که رمز نیز معادل بسیار مناسبی برای سمبل است؛ اما به دو دلیل، اصطلاح نماد را بر آن می‌توان ترجیح داد. اول آن که «رمزی در زبان فارسی و فرهنگ اسلامی، ریشه و معنایی بسیار قدیمی، دینی، عرفانی، فلسفی و ... دارد که با پدیده سمبولیسم در ادبیات نمایشی تفاوت‌هایی عمده دارد». دلیل دوم آنکه «نماد» با کلمه «نمایش» همگونی و همبستگی بیشتری دارد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۸۶: ص ۳۲). اما معناشناسی عبارت از مطالعه نشانه‌های زبانی و به ویژه تاویل جمله‌ها و واژه‌های هر زبان. موریس ادر کتاب مبانی نظریه نشانگان (۱۹۳۸)، مطالعه عمومی نشانه‌های زبانی را به سه بخش تقسیم می‌کند: اول مطالعه رابطه نشانه‌ها با یکدیگر که با دستور زبان (نحوشناسی) سرو کار دارد؛ دوم، ارتباط رسانش که عبارت از رابطه نشانه‌ها با کاربران خود که با کاربردشناسی سرو کار دارد؛ سوم، رابطه نشانه‌ها با مدلول‌های جهان خارج که با معناشناسی زبان سرو کار دارد.

بررسی مفهومی نشانه‌شناسی^۱: به معنی علم نشانه‌ها است. نشانه‌ها ایزه‌هایی هستند که پیامی را می‌رسانند. نشانه‌شناسی، علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرآیند تولید و مبادله و تعبیر آنها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد و سرشت و چگونگی ارتباط و معنا را در پدیده‌ها و نظام‌های نشانه‌ای گوناگون مطالعه می‌کند. نشانه‌شناسی معلوم خواهد کرد که نشانه‌ها از چه چیز ساخته شده‌اند و قوانین حاکم بر آنها چیست (بشیر و کاسپور، ۱۳۹۲: ص ۶۵). نظریه عمومی نشانه‌شناسی، معطوف به سه دسته کلی از نشانه‌هاست:

۱- نمادهای تصویری که به مدلول خود شباهت نزدیکی دارند. مانند تصویر علامت «خطر ریزش سنگ» در میان علائم راهنمایی رانندگی؛

۲- نشانه‌های طبیعی. مانند ابرهای سیاه که احتمال بارندگی را به ذهن متبادر می‌سازند.

1. Charles William morris(1915-1979).

2. Semiotics

۳- نشانه‌های عرفی. شبدر چهاربرگ که در فرهنگ اقوام انگلوساکسون بر خوش اقبالی دلالت دارد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۴).

نشانه‌شناسی مستلزم زبان جدیدی برای نگاه کردن و سخن گفتن در باب برنامه رسانه‌ها، مد، تغذیه، پوشاک و ... است. شیوه‌ای که تا حدودی از دیدن ظاهری چیزها متفاوت است. «فردینان دوسوسور^۱»، به مطالعه زندگی و حیات نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی می‌پردازد و در پروژه خود تحت عنوان نشانه‌شناسی^۲، بر سرشت اختیاری نشانه تاکید می‌کند که نشانه، فیزیکی و معنادار است و از ترکیب دال و مدلول شکل می‌گیرد. بین این دو، رابطه طبیعی یا ضروری برقرار نیست، بلکه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافقی برقرار است که مورد پذیرش جامعه است. از نگاه سوسور کلید فهم نشانه‌ها، توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر بود. به طور کلی، سوسور توجه خود را به خود نشانه‌ها معطوف می‌کند و چندان به دلالت آن بر واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد. مدل سوسور برای نظام نشانه‌ای به شکل زیر است:



شکل ۴. الگوی سوسور برای نظام نشانه‌ای

برای آنکه ذهن متوجه شود که نشانه به چه چیزی دلالت می‌کند، لازم است تجربیاتی درباره موضوع نشانه یا نظام نشانه‌ای داشته باشد؛ از سوی دیگر، مفسر می‌تواند خود در مقام نشانه قرار گیرد و توسط مفسری دیگر تفسیر شود؛ که این فرایند به طور دائم تداوم پیدا می‌کند (سجودی، ۱۳۸۷: ۶۳).

کارکرد نشانه، انتقال اندیشه به وسیله پیام است (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۹) و این نیازمند فرستنده، گیرنده، تماس، فرم، رمزگان، محتوا و زمینه یا موقعیت است که در هر کنش ارتباطی وجود دارند و به نظر یاکوبسن^۳، هر یک از این عناصر، یکی از کارکردهای زبان را انجام می‌دهد (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

رابطه نشانه‌شناسی در هشداردهی اطلاعاتی: اصطلاح نشانه‌شناسی اطلاعاتی مترادف

اطلاعات هشدار دهنده است و به بخش‌هایی از اطلاعات می‌پردازد که با اقدامات دشمن یا

1. Ferdinand de Saussure
2. Semiology
3. Jakobson roman

آماده‌سازی برای اقدامات احتمالی مرتبط است. در فرهنگ اصطلاحات نظامی آمده است: «اطلاعاتی در مورد درجه‌های مختلف تحول که همگی قصد دشمن بالقوه را در خصوص انتخاب یا کنار گذاشتن مجموعه اقدامات دربر می‌گیرند». بر اساس برخی تعاریف، لغت «نشان دادن» معنای ضمنی قاطعانه‌ای ندارد؛ «نشانه» به معنای علامت، دلیل، پیشنهاد، زمینه‌ای برای نتیجه‌گیری، اساسی برای اعتقاد یا علاقه است؛ از این رو، انتخاب این اصطلاح با توجه به ماهیت اطلاعات هشداردهنده تشخیص واقع بینانه‌ای است مبنی بر اینکه هشدار خود، قطعیت ندارد و بر مبنای اطلاعات ناکامل یا ارزیابی نامطمئنی است که برای تفسیر مشکل است (علیخانی، ۱۳۹۳: ۲۰). نشانه می‌تواند تقریباً به هر شکلی توسعه یابد؛ از جمله: داده تایید شده، داده محتمل، فقدان وجوه داده، تکه‌ای از اطلاعات، مشاهده، عکس، تبلیغ رادیویی، یادداشت دیپلماتیک، دستور احضار سربازان ذخیره، آرایش نیروها، هشدار نظامی، و گزارش یک عامل. شرط اصلی این است که این اصطلاح، بینشی را فراهم کند یا این انتظار وجود دارد که بینشی را در مورد اقدامات احتمالی دشمن ارائه دهد. هر نشانه می‌تواند مثبت، منفی یا مبهم (نامشخص) باشد؛ برای مثال، استمرار کارهای ساختمانی سربازان شوروی در مرز با چین نشانه مثبتی از آماده‌سازی نظامی شوروی برای جنگ احتمالی با این کشور است. فقدان مدرکی در مورد تجهیز هم‌زمان یا به کارگیری غیرعادی حمل و نقل (احتمالاً) نشانه منفی است و به معنای عدم انجام هر نوع اقدام قریب الوقوع است. تلاش هم‌زمان برای مذاکره نشانه مبهم یا نامشخص است - ممکن است اقدامی درست برای منحرف کردن جنگ باشد؛ اما در عین حال می‌تواند فریب یا ابزاری برای بدست آوردن زمان تلقی شود. نامشخص بودن معنای هر تحول تایید شده‌ای معمولاً با چنین عباراتی بیان می‌شود: «این امر نشانه‌ای محتمل است»، «این امر می‌تواند نشان دهد» و «این امر گویای آن است». نامشخص بودن در مورد اعتبار اطلاعات نیز با چنین عباراتی بیان می‌شود، اما به صورتی دقیق‌تر این عبارت در مورد آن به کار می‌رود: «اگر درست باشد، این امر نشان می‌دهد». تحولات می‌تواند حتی نشانه‌ای از نشانه‌ها باشد، به جای اینکه علامت مثبتی تلقی شود که گاهی به صورتی غیرعادی رخ داده است. انتشار دستورهای جدید برای نیروی ذخیره می‌تواند نشان دهد که آنها به خدمت فراخوانده شده‌اند؛ این امر می‌تواند همچنین گویای آن باشد که تجهیز نیروها در این بخش‌ها مورد نظر است؛ یا آنکه این نیروها برای آموزش‌های جدید و معمول فراخوانده شده‌اند. یا

فراخوان نیروها می‌تواند گویای تغییر برنامه‌ریزی شده برای برنامه‌های تجهیزاتی باشد که نیاز به فراخوانی جدید دارد (همان، ص ۲۱). نشانه گام مشخص یا نظری است در مورد اینکه دشمن ممکن است در حال آماده شدن برای اقدامی مغرضانه باشد. این امری است که گاهی وقوع آن را پیش‌بینی می‌کنیم و بنابراین، فهرستی از مسائلی که باید مراقب آن بود با عنوان «فهرست نشانه‌ها» تشکیل می‌شود (اطلاعاتی که هر یک از این مراحل را اجرایی می‌کند، شامل یک نشانه است). این تمایز در اصطلاحات - بین انتظارات و واقعیت یا بین نظریات و تحولات اخیر - اقدام مفیدی است و کسانی که در شغل هشداردهی هستند تلاش دارند این تمایز بین شاخص‌ها و نشانه‌ها را حفظ کنند. با این حال، بسیاری در انجام این تمایز دقیق ناموفق اند و لغت «شاخص» به صورت مکرر به معنای تحول واقعی ای به کار می‌رود که رخ داده و یا یک نشانه است. با این حال، هیچ کس به «مراکز شاخص‌ها» یا «نشانه‌شناسی اطلاعاتی» اشاره نمی‌کند (همان، ص ۲۱).

کارکرد نشانه‌شناسی در هشداردهی اطلاعاتی: به طور عام و خاص امور اطلاعاتی

دارای ماهیتی پنهان و ویژگی پنهان بودگی است و علل آن را نیز می‌توان به شرح زیر اعلام کرد؛
 ۱. به دلیل رعایت حفاظت از سوی حریف و ناظران و دور شدن از پایش‌های رسمی (دستگاه‌های پلیسی، اطلاعاتی)، فعالیت و امور اطلاعاتی پنهان است؛

۲. با این وجود هر امر پنهانی دارای وجوه عینی و آشکار و ظاهری خواهند بود و از طریق علایم، شاخص‌ها و نشانه‌هایی قابل درک و قابل مشاهده هستند و این همان نشانه‌ها هستند، بنابراین درجه ای از آشکار بودن در امور اطلاعاتی بوجود می‌آید. با این توصیف می‌توان به وجود نشانه در رفتارها و عملکرد جاسوس در روابط خود پی برد و از آن استفاده کرد (حاجیانی و حاجیانی، ۱۳۹۴: ۷۸). علائم، نشانه‌ها و قرائن خود عین حقیقت نیستند اما ما را برای کشف حقیقت راهنمایی و حساسه‌ها که در واقع عناصر خبری و کارشناسان هستند به آن مظنون می‌گردند و در این حالت است که کارشناس اطلاعاتی با بکارگیری تکنیک‌های مختلف از جمله تکنیک نشانه‌شناسی فعل و رفتار مظنون را بر اساس نشانه‌های رفتاری تطابق داده و به او کمک اساسی خواهد کرد. حال باید افزود که سرنخ‌ها، آثار، علائم و ردهای حریف یا سوژه در واقع همان نشانه‌ها و نمادها هستند (حاجیانی و حاجیانی، ۱۳۹۴: ۷۸). نشانه‌شناسی با قراردادن داده‌ها در قالب گروه‌های مرتبط و قابل قیاس و قرینه با یکدیگر، امکان درک گرایش‌ها، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و یا ناهنجاری‌های

موضوعات هشداردهی اطلاعاتی را به وجود می‌آورد و در واقع ارزش افزوده قابل ملاحظه‌ای به سرنخ‌های ثانویه خواهد داد، و به طور مشخص هشداردهی اطلاعاتی و امنیتی را ارتقاء خواهد داد. در واقع نشانه‌شناسی، دامنه نشانه‌ها و قرائن را در حد زیاد توسعه داده و ارتباطات به ظاهر ضعیف دال‌ها یا نشانه‌ها را با مدلول (واقعیات پشت پرده و اسرار) آشکار می‌سازد. زیرا در رویکرد نشانه‌شناسی همه چیزها و نمادها دارای معانی هستند و می‌توانند گویای ارتباطات و واقعیات پنهانی یا دور از دسترس باشند. مخلص کلام آنکه آموختن مهارت‌های نشانه‌شناسی سطح دانش کارشناسان اطلاعاتی و امنیتی را تا حد زیادی برای ارائه هشدار به موقع ارتقاء می‌دهد. آموزه یا دستاورد اصلی دانش نشانه‌شناسی این است که بین نشانه‌ها (علائم یا دال‌ها) ربط معنایی بوجود می‌آورد. یعنی نشانه‌ها هم با هدف کنشگر (برای مثال یک پدیده بی‌ثبات‌زا) مرتبط هستند و هم بین خود نشانه‌ها یک نظام معنایی و ساختاری وجود دارد.

عوامل تشخیص علائم و نشانه‌های در فعالیت اطلاعاتی: در چارچوب رویکرد

نشانه‌شناسی و برای استفاده از آن در فعالیت‌های امنیتی (برای کشف و شناسایی مظنونان به جاسوسی و ...) یک مساله مهم، تعیین و تشخیص نشانه‌ها، علائم و نمادهایی است که مبین و معرف جاسوسی یا مظنونیت به جاسوسی است. همچنان که گفته شد نشانه‌ها به عنوان یک نظام معنایی و عنصر فرهنگی بسیار نسبی و سیال هستند لذا تشخیص نشانه‌های یک فعالیت، نیت یا هدف بسیار دشوار و گاه دور از دسترس است و کاملاً مبتنی بر فرهنگ ملی، محلی و قومی و شرایط منطقه‌ای و حتی ملی است. هشداردهنده اطلاعاتی باید یک فرهنگ‌شناس باشد تا بتواند نشانه‌های اصلی و جدی یک فعالیت بی‌ثباتی سیاسی را شناسایی و احصاء نماید و این سبب نسبی بودن نشانه‌ها بر اساس محیط فعالیت است. از سوی دیگر باید دانست که نشانه‌های مربوط به هر هدف یا کنش امنیتی از همدیگر متفاوت است: نشانه‌ها و علائم (در امور اطلاعاتی) را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- نشانه‌های زبانی؛ منظور آن دسته از علائم و نمادهایی هستند که در محاوره و گفتگو استفاده می‌شوند. در اینجا طیف وسیعی از علائم از قبیل اصطلاحات، واژه‌ها، تلفظ‌ها، مکث‌ها، سکوت‌ها، تعارفات، تکیه کلام‌ها، آداب شروع و قطع صحبت و مکالمه، میان حرف همدیگر آمدن، افعال و به عنوان نشانه مطرح می‌باشند. این نشانه‌های زبانی در مکالمات، گفتگوهای

رودرروی و هم در نگارش متون کاربرد دارند. بنابراین کسانی که در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مستمرا مشغول فعالیت مخفی هستند باید حتما آشنا به دانش نشانه‌شناسی باشند. از این منظر هر جمله یا ادای زبانی می‌تواند رمز یا نشانه‌ای از اغراض بازیگر، کنش‌گر سیاسی یا سوژه تلقی شود.

۲- نشانه‌های غیرزبانی یا رفتاری؛ در اینجا منظور علائم بیرونی و تظاهر عینی یا رفتار کنشگر است و دارای طیف وسیعی است. از جمله اداهای صورت و بدن (رفتار بدن)، نوع پوشش، سبک زندگی، اوقات فراغت، تماس‌ها و معاشرت‌ها و مراودات، مسافرت‌ها، الگوی تغذیه، سبک‌های تربیتی، رفتارهای مذهبی، ماهیت این نشانه‌ها می‌تواند گویای اقدام امنیتی ... باشد (صادقی، ۱۳۹۲: ۷۷).

۳- دریافت نشانه از نگرش‌ها و باورها؛ بعضی از نشانه‌های یک فعالیت امنیتی یا اطلاعاتی را می‌توان در باورها، اعتقادات و دیدگاه‌ها جستجو کرد. با بررسی نگرش نسبت به نظام سیاسی، نگرش به جامعه یا کشور هدف، اعتقادات دینی و ... می‌تواند، وضعیت واقعی را نیز شناسایی کرد.

روش، تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش تئوری داده‌بنیاد^۱ استفاده شده است. رویکرد تئوری‌سازی داده‌بنیاد یک رویکرد تفسیری است و حاوی مجموعه‌ای از رویه‌هاست که برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نظام‌مند داده‌های به دست آمده در طی پژوهش برای بررسی و مطالعه یک پدیده برای ارائه یک نظریه مبنایی قیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (دانگوبا، همینگتون و ویلکس ۲۰۰۶: ۲). این روش، نوعی راهکار پژوهشی است که در پی تدوین نظریه است و ریشه در داده‌های مفهومی دارد که به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. روش‌شناسی این نظریه به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مبنای نظری را از ویژگی‌های عمومی یا کلی یک موضوع که هم‌زمان ریشه در مشاهدات یا داده‌های تجربی دارد، ارائه دهد. در نظریه‌سازی داده‌بنیاد باید بین جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها نوعی اثر متقابل وجود داشته باشد. روش نظریه

1. Granded theory
2. Daenghuppa, Hemmington, and Wilkes

داده‌بنیاد معمولاً به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه سامان‌مند، شیوه نوحاسته و شیوه سازگار. در این مقاله از روش سامان‌مند که به استراوس و کوربین^۱ نسبت داده می‌شود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. روش سامان‌مند خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در این پژوهش، با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد پژوهش‌گر به دنبال آن است تا با یاری رویکرد استقرایی این روش پژوهشی در آخر به ارائه یک نظریه پردازد.



شکل ۶: روش بکارگیری رویکرد استقرایی در نظریه داده‌بنیاد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۹۵)

جامعه آماری، جامعه نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل استادان و خبرگان رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، علوم امنیتی و اطلاعاتی هستند است که به روش ارجاع زنجیره‌ای (گلوله برفی^۲) انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری گلوله برفی یک روش نمونه‌گیری است که واحدهای نمونه نه تنها اطلاعاتی در مورد خودشان که در مورد واحدهای دیگر جامعه نیز ارائه می‌کنند (استراوس^۱ و کوربین ج^۳: ۲۰۰۸). در این روش، در یک مصاحبه ابتدایی اغلب با یک خبر رسان کلیدی کار را آغاز می‌کنیم و سپس از آن شخص می‌خواهیم که دوستان، آشنایان و یا افرادی را که ممکن است برای مصاحبه مناسب باشند به ما معرفی کند. در این مطالعه با دوازده نفر مصاحبه انجام شد که از مصاحبه هشتم به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه دوازدهم ادامه یافت، هرچند از مصاحبه دهم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بود. مصاحبه با طرح سؤالاتی با تمرکز بر «چارچوب بی‌ثباتی سیاسی و هشداردهی اطلاعاتی در یک نظام سیاسی و چگونگی ممزوج کردن این دو مقوله» و بر

1. Strauss and Corbin
2. Snowball
3. Straus A, Corbin

اساس محورهای زیر ارائه (مصاحبه باز) و بقیه پرسش‌ها براساس پاسخ‌های مصاحبه شونده طرح می‌شدند. تمامی مصاحبه‌ها برای استخراج نکات کلیدی چندین بار مورد بررسی قرار گرفتند.

- ۱- چه شاخص‌هایی برای بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد تا منجر به هشداردهی اطلاعاتی شود؟
- ۲- به طور کلی چه چارچوبی می‌تواند بین بی‌ثباتی سیاسی و نظام هشداردهی وجود داشته باشد؟
- ۳- چارچوب بی‌ثباتی سیاسی با نظام هشداردهی اطلاعاتی کجا و چگونه است؟
- ۴- آیا با وقوع هر مولفه مشخص شده در بی‌ثباتی سیاسی، نظام هشدار نیز باید فعال شود؟
- ۵- الگوی نظام هشداردهی برای تاثیرگذاری بر ثبات سیاسی چگونه ترسیم می‌شود؟

مراحل کدگذاری در داده‌بنیاد

کدگذاری باز^۱

تحلیل و کدگذاری در این مرحله و نمونه‌گیری باید وسیع انجام شود تا پژوهش‌گر قادر به کشف مفاهیم در موقعیت باز باشد. پژوهش‌گر باید به کدگذاری هر رویداد جالب، توجه کند. ممکن است از درون یک مصاحبه (متن) کدهای زیادی استخراج شود اما وقتی داده‌ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار می‌گیرد کدهای جدید احصاء و کدهای نهایی مشخص می‌شوند. کشف طبقه‌ها و خود مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار طبقه‌سازی (تم‌سازی) گفته می‌شود. عناوینی که به طبقه‌ها اختصاص می‌دهیم، انتزاعی‌تر از مفاهیمی است که مجموعه آن طبقه را تشکیل می‌دهند. طبقه‌ها دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم را بر محور خود جمع کنند. توصیف طبقه‌ها با توجه به ویژگی‌های آنها، در گام بعدی بیان می‌شود. جدول کدگذاری باز، که شامل دو قسمت است: جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آنها.

کدگذاری محوری^۲ و انتخابی^۳:

هدف از این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده (مرحله کدگذاری باز) است. این کار به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرایند ارتباطدهی بر بسط و گسترش یکی از مقولات قرار دارد. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، مقوله‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند.

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب الگو را به صورت روایتی عرضه یا الگوی پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (روشندل و لبافی، ۱۳۹۱: ۱۴۳-۱۳۸).

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس نظریه داده‌بنیاد در گام نخست و در مرحله کدگذاری باز پژوهشگر با استفاده از روش نظریه‌ی داده بنیاد در دو بخش (مصاحبه و بررسی استاد کتابخانه‌ای) پس از هر مصاحبه و همچنین یا مشاهده هر مطلب مستند از اسناد و مدارک و مرتبط کتابخانه‌ای شروع به پیدا کردن مفاهیم اولیه و انتخاب برجسته‌های مناسب و کدگذاری برای آنها نموده و در گام بعدی با ترکیب مفاهیم اولیه مرتبط نسبت به استخراج مفاهیم اصلی و مؤلفه‌ها و کدگذاری محوری اقدام و در گام سوم با کدگذاری انتخابی و تلفیق مؤلفه‌ها، بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاسی و هشداردهی اطلاعاتی در یک نظام سیاسی و چگونگی ممزوج کردن این دو مقوله استخراج و در ادامه با نظر خبرگان، نتیجه پژوهش در یک الگوی اولیه ارائه شد.

نتایج یافته‌های مقاله در پنج بخش به شرح زیر تنظیم و ارائه شده است: جدول کدگذاری باز با کدهای اولیه استخراجی از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (جدول ۱) و جدول کدگذاری محوری با طبقه‌های استخراج شده از کدها و مفاهیم اولیه به همراه استخراج مفاهیم و مؤلفه‌ها (جدول ۲) و جدول کدگذاری انتخابی با تلفیق مفاهیم و مؤلفه‌ها و استخراج ابعاد مهم آن و در بخش آخر با نشست‌های تخصصی با خبرگان الگوی اولیه بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاسی و هشداردهی اطلاعاتی در یک نظام سیاسی و چگونگی ممزوج کردن این دو مقوله طی یک جدول (شماره ۱) ارائه شده است. لازم به ذکر است به علت حجم بالای مطالب و کدگذاری‌های باز بخشی از آن در این پژوهش ارائه و نتیجه و خلاصه آن در کدگذاری محوری و انتخابی درج شده است.

کدگذاری اولیه:

در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها، عنوانی داده شده سپس همه را در جدول‌های زیر قرار می‌دهیم. نمونه کدهای اولیه استخراج شده از یک مصاحبه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. کدگذاری اولیه مصاحبه اول

کد اولیه	متن	شناسه
هدف ارائه هشداردهی اطلاعاتی تحت تاثیر قرار گرفتن افراد و جامعه هست؛ میزان تاثیرگذاری بی‌ثباتی بر هشداردهی اطلاعاتی بین جامعه و به ویژه نخبگان سیاسی، ارزش‌ها و باورهای جامعه؛ خسارت‌های راهبردی بی‌ثباتی برای ارائه هشداردهی اطلاعاتی بر زیرساخت‌های حیاتی؛ سرمایه اجتماعی؛ تاثیرگذاری بی‌ثباتی سیاسی با ارائه هشداردهی اطلاعاتی بر حیات و بقا؛ نظام سیاسی؛ تاثیرگذاری بی‌ثباتی سیاسی با ارائه هشداردهی اطلاعاتی بر مرجعیت امنیت نظام سیاسی؛ تاثیرگذاری بی‌ثباتی سیاسی به عنوان سوژه شدن و	هدف؛ احصاء شاخص اصلی بی‌ثباتی سیاسی در نظام هشداردهی اطلاعاتی، است؛ تعداد افراد و یا پدیده‌های حادث شده اعم از مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز در یک مرز (محدوده) جغرافیایی که به وسیله عوامل پیشران تحت تاثیر قرار می‌گیرند؛ تاثیر واقعه یا رویداد بی‌ثبات کننده بر بخش بزرگی از جامعه که باعث ایجاد ناامنی، ترس، اضطراب، دلهره یا تشویش اذهان عمومی شود؛ اقدام بی‌ثبات‌ساز، دارای بازتاب عمومی داخلی و بین‌المللی باشد؛ مورد توجه رسانه‌های داخلی یا خارجی قرار گیرد و مورد واکاوی و در صدر اخبار آنها قرار گیرد؛ عموم مردم، به ویژه قشر نخبه یا نخبگان سیاسی جامعه، جدای از سطح سواد و جایگاه اجتماعی خود، درباره آن اظهار نظر نمایند؛ رویداد و یا واقعه ذکر شده بر سایر مسائل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه اثرگذار باشد و یا آنها را تحت تاثیر قرار دهد؛ اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به آسیب به نظام فکری، اعتقادی، ارزش‌ها و باورهای عموم جامعه شود. اقدام بی‌ثبات کننده منجر به آسیب سرمایه اجتماعی نظام سیاسی مبتنی بر یکی از چهار مولفه آن شامل: اعتماد عمومی، مشارکت و اعتبار جامعه سیاسی شود؛ اقدام و یا امر بی‌ثبات کننده، منجر به آسیب و یا ضربه وارد کردن بر مرجعیت امنیت نظام سیاسی شود؛ پدیده یا اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به آسیب به زیرساخت‌های حیاتی نظام سیاسی شود؛ اقدام بی‌ثبات کننده سیاسی، منجر به آسیب به زیرساخت‌های حساس و	A1

جدول ۱. کدگذاری اولیه مصاحبه اول

کد اولیه	متن	شناسه
موج‌سازی رسانه‌ای؛ تشویش و ناامیدی مردم از نظام سیاسی؛ تاثیر منفی بی‌ثباتی بر روابط خارجی نظام سیاسی؛ تاثیرگذاری بی‌ثباتی سیاسی بر تجزیه نظام سیاسی یا استقلال قومی؛	مهم نظام سیاسی شود؛ اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به آسیب به توان و قدرت نظامی و دفاعی نظام سیاسی و یا کشور هدف شود؛ اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به اعتصابات عمومی یک قشر تاثیرگذار در زندگی مردم در نظام سیاسی و یا کشور هدف شود. مانند رانندگان یا کارکنان صنعت نفت؛ اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به ترور مقامات نظام سیاسی و یا کشور شود مانند رهبر، رئیس جمهور و مقامات مهم دیگر؛ اقدام یا پدیده بی‌ثبات کننده، منجر به تغییر رژیم یا حکومت در نظام سیاسی و یا کشور هدف شود؛ اقدام بی‌ثبات کننده، منجر به تجزیه طلبی یک قوم در نظام سیاسی و یا کشور هدف شود؛	

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

در مرحله بعد، با طرح مجدد سئوالات ذکر شده در قبل از خبرگان و واکاوی و تحلیل، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به کدهای ثانویه تبدیل می‌شوند و کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند. چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی می‌شود. در جدول شماره ۲ نتایج کدگذاری باز بر اساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی

فراوانی	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی
۱۱	تاثیر مستقیم انتشار پدیده بی‌ثباتی در جامعه علیه مرجعیت نظام سیاسی؛ ادراک جامعه و خبرگان از تحت تاثیر قرار گرفتن مرجعیت در نظام سیاسی؛ تاثیر غیرمستقیم پدیده بی‌ثبات بر علیه مرجعیت امنیت نظام سیاسی حاکم؛ تضعیف و یا ترور شخصیتی یا غیرمادی مرجعیت امنیت در نظام سیاسی	تاثیر بی‌ثباتی بر مرجعیت امنیت
	تاثیرگذاری پدیده بی‌ثبات ساز بر زیرساخت‌های حیاتی نظام سیاسی تاثیر پدیده بی‌ثبات ساز بر زیرساخت‌های حساس نظام سیاسی	آسیب پدیده

جدول ۲. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی

فرآوانی	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی
۱۱	تاثیرگذاری بی‌ثباتی بر به وجود آمدن آسیب به سایر زیرساخت‌های حیاتی و حساس نظام سیاسی؛ سرعت و میزان نفوذ آسیب‌پذیده بی‌ثباتی بر کلیت زیرساخت‌های نظام سیاسی؛ ضعف نظام سیاسی از اصلاح زیرساخت آسیب‌پذیده ناشی از بی‌ثباتی به وجود آمده	بی‌ثباتی به زیرساخت‌های حیاتی و حساس
۱۲	تاثیرگذاری پدیده بی‌ثباتی بر اعتماد عمومی و ملی جامعه یا نظام سیاسی؛ تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر اعتبار ملی جامعه یا نظام سیاسی؛ تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر مشارکت عمومی جامعه یا نظام سیاسی؛ تاثیرگذاری بی‌ثباتی بر مشارکت نخبگان سیاسی جامعه یا نظام سیاسی؛	آسیب‌پذیده بی‌ثباتی به سرمایه اجتماعی ملی نظام سیاسی
۱۲	اقدام پدیده بی‌ثباتی بر تغییر رژیم نظام سیاسی؛ تاثیر اقدام یا پدیده بی‌ثباتی بر تغییر دولت، حکومت یا نظام حاکم؛ تبدیل پدیده بی‌ثباتی به اقدامات خشونت‌آمیز از جمله کودتا، براندازی و دعوت از نظامیان برای همراهی؛ تبدیل موضوع بی‌ثباتی به اقدامات هماهنگ با مخالفین یا اپوزیسیون نظام سیاسی حاکم؛	تبدیل پدیده بی‌ثباتی به تغییر رژیم سیاسی
۱۰	تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر آشفته‌گی و یا آنومی قومیتی (قومی) تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر آشفته‌گی سایر اقوام موجود در نظام سیاسی؛ تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر آشفته‌گی دیگر صنوف، اقشار و یا گروه‌های مستقل قومی و اجتماعی؛ تاثیر پدیده بی‌ثباتی بر تحریک احساسات اقوام موجود در نظام سیاسی؛	تبدیل پدیده بی‌ثباتی به تجزیه طلبی قومی
۱۰	تبدیل بی‌ثباتی بر اقتدار ملی یا قدرت نظامی و دفاعی؛ تبدیل بی‌ثباتی بر توان یا قدرت امنیتی و اطلاعاتی نظام سیاسی؛ تاثیر بی‌ثباتی بر روابط بین‌المللی و خارجی نظام سیاسی؛ تبدیل بی‌ثباتی بر ایجاد ضعف نظامی و دفاعی نیروهای مسلح؛	آسیب‌پذیده بی‌ثباتی به قدرت دفاعی

شکل دهی به مقوله‌ها

مرحله ساخت مقوله پس از تعیین کدهای مفهومی، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. کدهای مفهومی و شکل دهی به مقوله‌ها

مقوله	کدهای مفهومی
احصای چارچوب رابطه نظام هشداردهی اطلاعاتی بر بی‌ثباتی سیاسی	تأثیرگذاری بی‌ثباتی بر مرجعیت امنیت
	تأثیر یا آسیب پدیده بی‌ثباتی سیاسی به زیرساخت‌های حیاتی و حساس
	اثرگذاری یا آسیب پدیده بی‌ثباتی به سرمایه اجتماعی نظام سیاسی
	تبدیل یا تأثیر پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تغییر رژیم سیاسی
	تبدیل پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تجزیه طلبی قومی
	آسیب یا تأثیر پدیده بی‌ثباتی سیاسی بر قدرت دفاعی - امنیتی

کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی:

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده‌بنیاد است. هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرایند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقولات قرار دارد. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، مقوله‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهش‌گر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب الگو را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا الگوی پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ۶۷).



شکل ۷. الگوی به دست آمده از چارچوب بی ثباتی سیاسی و نظام هشداردهی اطلاعاتی (یافته‌های پژوهش)

بر اساس الگو و چارچوب تعیین شده برای بی ثباتی در نظام هشداردهی اطلاعاتی، چارچوب نظام هشداردهی اطلاعاتی نیز بر اساس نظر خبرگان، احصاء، جمع بندی و به شرح زیر ارائه شده است. بدیهی است، هر پدیده بی ثباتی با قرار گرفتن در ساختار تعیین شده این چارچوب، هشداردهی اطلاعاتی نسبت به موضوع یا پدیده بی ثباتی صورت خواهد گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۸. چارچوب استاندارد ارائه نظام هشداردهی اطلاعاتی در بی‌ثباتی سیاسی (یافته‌های پژوهش)

با توجه به تعیین چارچوب بی‌ثباتی در نظام هشداردهی اطلاعاتی و تعیین چارچوب الگوی نظام هشداردهی اطلاعاتی مرتبط با پدیده‌های بی‌ثباتی سیاسی، روایی و اعتبار هر دو نیز در قالب امتیازاتی بین ۱ تا ۱۰ و با اخذ نظر خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج نیز حاکی از تایید روایی و اعتبار یافته‌ها و به ویژه، چارچوب احصاء شده دارند.

جدول ۴. ارزیابی روایی و اعتبار الگوهای چارچوب بی‌ثباتی سیاسی و نظام هشداردهی اطلاعاتی

امتیاز احصاء شده	مولفه‌های احصاء شده در نظام هشداردهی اطلاعاتی	امتیاز احصاء شده	مولفه‌های احصاء شده در بی‌ثباتی سیاسی
۱۰	پیشگیری	۹	تاثیر بی‌ثباتی بر مرجعیت امنیت
۱۰	اشراف	۱۰	تاثیر بی‌ثباتی سیاسی به زیرساخت‌های حیاتی و حساس
۹	هشیارسازی	۱۰	آسیب پدیده بی‌ثباتی به سرمایه اجتماعی نظام سیاسی

۱۰	نیازسنجی	۱۰	تبدیل پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تغییر رژیم سیاسی
۹	هشدارسازی	۹	تبدیل پدیده بی‌ثباتی سیاسی به تجزیه طلبی قومی
۴۸	جمع کل از ۵۰ امتیاز	۹	تأثیر پدیده بی‌ثباتی سیاسی بر قدرت دفاعی-امنیتی
		۵۷	جمع کل از ۶۰ امتیاز

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

سازمان‌های اطلاعاتی عموماً وظایف ثابتی دارند که در اهداف مختلف کارکردهای خاص خود را به اجرا در خواهند آورد. در دیدگاه سنتی نقش سازمان‌های اطلاعاتی در ایجاد ثبات سیاسی محدود به شناسایی و سرکوب علل فاعلی بی‌ثباتی سیاسی بوده در حالی که نتایج این پژوهش نشان داد که تأثیر سازمان‌های اطلاعاتی به عنوان یک متغیر و یا عامل وابسته بر ثبات سیاسی تأثیرگذار بوده که در نحوه تعامل آنها با متغیرهای واسطه‌ای چون محرومیت نسبی فرصت‌های سیاسی - آنومی سیاسی - مشروعیت و... بروز و ظهور می‌یابد. سازمان‌های اطلاعاتی نه تنها در امور دفاعی و امنیتی ایفای نقش می‌کنند بلکه در مذاکرات تجاری و اقتصادی جبرائیم سازمان‌یافته بین‌المللی و بسیاری از امور داخلی و خارجی تأثیرگذار هستند.

همان گونه که قبلاً اشاره شد؛ سازمان‌های اطلاعاتی دارای سه نقش؛ شناختی، اجرایی و نظارتی بوده، که به قطعیت می‌توان گفت وظیفه آنها در شناخت پدیده‌های بی‌ثباتی در هر سه نقش، قابل تعمیم و اجرا و پیگیری است. در شکل زیر، زمان اعلام شده در صورت وقوع بی‌ثباتی مشخص و ارائه شده است.



شکل ۸. نحوه اعلام هشداردهی اطلاعاتی با بی‌ثباتی سیاسی (یافته‌های پژوهش)

در این کارکرد بی‌ثباتی سیاسی و هشداردهی تأثیر اساسی در اداره راهبردی، جامعه و کمک به نظام سیاسی دارد. ضمن اینکه نقش سازمان‌های اطلاعاتی در حفظ ثبات سیاسی برای مواجهه با بی‌ثباتی را افزایش داده که البته به نحوه تعامل عوامل اطلاعاتی و مقامات دولتی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری نیز بستگی دارد. بدون تردید برقراری و استمرار ثبات و دوری از بی‌ثباتی سیاسی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی در جهان به شمار می‌رود. در عین حال اینکه؛ نظام‌های سیاسی بیش از هر چیز نیازمند ثبات و آرامش هستند تا به دور از هرگونه تهدید و در کمال اقتدار به اهداف خود نایل آیند. یکی از مهم‌ترین موضوعات در بحث بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی، شناخت متغیرها و شاخص‌های موثر در بروز بی‌ثباتی سیاسی است. در این راستا نظام هشداردهی اطلاعاتی با بررسی و شناخت متغیرها و عوامل موثر بر بروز بی‌ثباتی، نظام سیاسی و حکومت‌ها می‌توانند با اقدامات پیشگیرانه به رفع یا کاهش اثر آنها اقدام کرده و مانع از بروز بی‌ثباتی در کشور خود شوند.

در این راستا بهترین راهبرد سازمان‌های اطلاعاتی برای ایجاد و حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از رفتارهای بی‌ثبات‌کننده، ارائه و مدیریت صحیح و منطقی و تنظیم صحیح نظام هشداردهی اطلاعاتی است. در واقع با طراحی و تدوین نظام هشداردهی مطلوب، می‌توان ضمن کمک به حل بهتر مدیریت اقدام بی‌ثبات‌کننده، سیاستگذاران و یا تصمیم‌سازان را نیز به تصمیم قطعی و واقعی در بروز اقدامات و یا موضوعات بی‌ثبات‌کننده کمک کرد. همچنین در زمینه مفهوم‌سازی ثبات سیاسی، نتایجی حاکی از این است که نخست اینکه بی‌ثباتی سیاسی امری چندلایه است و فقط شامل چالش‌ها و تهدیدات معطوف به حکومت و نظام سیاست نیست؛ بلکه چالش‌ها و تهدیدات معطوف به هنجارهای سیاست، مقامات سیاسی و تصمیمات سیاسی را نیز در بر می‌گیرد، که گاهی نیاز به حضور و یا دخالت امر اطلاعات در آن یا ورود نظام هشداردهی اطلاعاتی به آن نیست.

چارچوب تدوین شده و تحلیل احصاء شده نیز معطوف بر این است که ارتباط نزدیک میان سیاست‌گذاران و افسران اطلاعاتی به سیاست‌زدگی اطلاعات منجر نشود و در صورت حضور مکرر افسران اطلاعاتی در فرایند تصمیم‌گیری و راهبردی احتمال تأثیرپذیری عناصر اطلاعاتی از مقامات دولتی افزایش خواهد یافت و در این شرایط وجود قوانین، آموزش‌ها و انگیزه‌هایی که افسران اطلاعاتی را از فرصت‌طلبی دور نگه دارند، الزامی است. در واقع، برای گذار از وضعیت

بی‌ثباتی سیاسی، نقش نظام سیاسی در کنترل رفتارهای مادی و ایجاد رضایت نسبی در میان جمعیت یک کشور می‌تواند جلوی فشارهای ساختاری را بگیرد. اما موضوع مهمی که از منظر مکتب تضاد است که حفظ ثبات سیاسی در کوتاه و میان‌مدت ممکن است برای اطمینان بخشی به رفتارهای اجتماعی و رونق اقتصادی مفید باشد ولی در بلندمدت ممکن است تأثیر عکس بر موضوع بگذارد. چه بسا اینکه؛ بی‌ثباتی سیاسی مقطعی می‌تواند برای رشد اقتصادی مفید باشد به شرطی که ظرفیت و توان نظام سیاسی برای تغییر روال بازتوزیع اقتصادی و بازنگری در چارچوب‌های اقتصادی و تحول فناوری نیز مهیا باشد. ضمن اینکه هانتینگتون بسیاری از بی‌ثباتی‌های سیاسی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۱ در بسیاری از نقاط جهان را «محصول تغییرات اجتماعی سریع و بسیج گروه‌های جدید در سیاست به همراه توسعه کم‌نهادهای سیاسی» می‌داند.

نکته مهم در جلوگیری از وقوع بی‌ثباتی و ارائه هشداردهی اطلاعاتی این است که؛ هر اندازه سطح بی‌ثباتی از حوزه مادی به سوی حوزه منزلتی و در نهایت هویتی نیل کند، امکان گذار مسالمت‌آمیز کمتر و احتمال میزان خشونت سیاسی افزایش می‌یابد اما به هر میزان حوزه اجماع از سطح مادی به سطح هویتی نیل کند، به همان میزان احتمال تداوم نظام سیاسی افزایش می‌یابد یا کمینه فرصت مناسب برای مصالحه سیاسی و تداوم وضعیت موجود بیشتر فراهم می‌گردد. برای جلوگیری از هشداردهی اطلاعاتی نیز می‌توان گفت، به هر میزان توانمندی ساختاری در یک کشور افزایش یابد، امکان ثبات سیاسی و کاهش رفتارهای توده‌ای بیشتر می‌شود و به هر میزان ناکارآمدی سیاسی افزایش یابد و زمینه برای جایگزین شدن نیروهای غیرساختاری فراهم گردد، زمینه برای بی‌ثباتی بیشتر فراهم می‌گردد، بلکه امکان پیش‌بینی‌پذیری سیاسی نیز کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، شکل‌گیری الگوهای جدید اعتراض‌های عمومی نظیر سازماندهی مجازی یا کنش‌های سیاسی مجازی از این نوع است. گسترش و تعمیق فرآیندهایی نظیر جهانی شدن و مهاجرت نیروها و نهادهای فراملی و برون‌کشوری، بی‌ثباتی‌های متعددی به عرصه چالش‌ها و دگرگونی‌های سیاسی در سطوح داخلی کشورها وارد کرده یا بر میزان تاثیرگذاری آنها افزوده که نیاز است ساختار نظام هشداردهی دستگاه اطلاعاتی، هوشیاری و دقت لازم را داشته باشد. علاوه بر این، الگوهای

جدیدی از مداخلات قدرت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی در مسائل و مناقشات داخلی کشورها ظاهر شده است که علاوه بر تنوع بخشیدن به زمینه‌ها و عوامل ایجاد کننده بی‌ثباتی، جلوه‌های بروز و ظهور آن را نیز تحت تأثیر قرار داده و بر تنوع نشانگان و نمودهای بی‌ثباتی سیاسی افزوده است، که در این زمینه نیز سازمان اطلاعاتی را برای ارائه هشدار صحیح و دقیق دچار چالش نموده است. در شرایط جدید فردگرایی، مسئولیت اجتماعی و تلاش برای یافتن جایگاه و منزلت مناسب در نظم جدید با مسایل و مشکلات متعددی همراه است و در دوره گذار یا برزخ بدترین بی‌ثباتی‌ها مواجه است. ارزیابی نهایی این است که رابطه‌ای را که می‌توان برای بی‌ثباتی سیاسی و نظام هشداردهی اطلاعاتی در نظر گرفت یک ارتباط وثیق بین ثبات سیاسی در یک نظام سیاسی با نظام هشداردهی اطلاعاتی قابل درک و توصیف بوده که با توجه به تدوین چارچوب تهیه شده در این پژوهش، برای نظام هشداردهی اطلاعاتی، می‌توان در آینده، از پدیده‌ها یا موضوعات بی‌ثباتی جلوگیری یا کمینه آنها را مدیریت و یا بازشناسی نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- الف) منابع فارسی
- آریان پورکاشانی، منوچهر (۱۳۸۷). فرهنگ هفت جلدی پیشرو آریان پور: انگلیسی به فارسی. جلد پنجم، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه امین.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۹). حزم اطلاعاتی در سامانه‌ی هشداردهی آینده نگرانه؛ رهیافتی بومی. نشریه علمی آفاق امنیت، سال سیزدهم، شماره چهارم و هشتم، پاییز ۱۳۹۹.
- بشیر، حسن و کاسپور، هدا (۱۳۹۲). "نشانه شناختی دین یهود (غیر صهیونیسم) در هنر مدرن" فصلنامه رسانه، سال بیست و چهارم شماره ۳ پاییز ۱۳۹۲.
- بصری، محمدعلی (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی و ثبات سیاسی، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال سوم، بهار ۱۳۹۵.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۶). علم و پیش‌بینی در مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی: بررسی نظری پدیده انقلاب، ترجمه حمید الیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- خواجeh سروی، غلامرضا (۱۳۸۵). چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۸۷-۱۱۶.
- خرم‌شاد، محمدباقر و محمدی‌لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۲). شروط سیاسی بی‌ثباتی (تحلیل تجربی بین‌کشوری). دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۴۴-۲۹.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۰). هشداردهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیشگیری از غافل‌گیری. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۴ (مسلسل ۵۳)، صص ۱۵۱-۱۲۷.
- حاجیان، ا و حاجیان، م (۱۳۹۴). کاربرد تحلیل نشانه‌شناسی در کشف قرائن و شواهد با رویکرد حفاظتی. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی دانشکده امام هادی (ع)، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۶). زمستان سال ۱۳۹۴.
- دانایی‌فرد، حسن و اسلامی، آذر (۱۳۹۰). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۴). «درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی: به سوی مدلی جامع و روزآمد برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی»، نشریه دولت‌پژوهی، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲، صص ۹۴-۵۹.

دلآوری، ابوالفضل. (۱۳۷۸). بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران. رساله دکتری. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

دهخدا، اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه‌ی فارسی، جلد ۸، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا، سال چاپ ۱۳۷۷.

ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. غرایق‌زندی، داود و صادقی، امیربهزاد (۱۴۰۱). «الگوی مفهومی ثبات و بی‌ثباتی در تداوم یا عدم تداوم نظام‌های سیاسی: علل، رونودو نتایج». نشریه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار ۱۴۰۱، شماره ۶۹، صص ۱۳۵-۱۱۳.

رجب‌زاده، احمد و طالبان، محمدرضا (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه‌ای بین‌کشوری). نشریه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. سال پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۶. شماره ۵۶ و ۵۷.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۹۲). بررسی سازمان‌های اطلاعاتی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۹۲. صص ۱۰۰-۵۳.

روشندل، طاهره و لبافی، سمیه (۱۳۹۱). تبیین عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری رسانه‌ای در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رسانه، شماره ۸۶، صص ۱۴۸-۱۳۱، تهران: معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ساعی، علی (۱۳۸۸). درآمدی بر روش پژوهش اجتماعی، تهران: انتشارات آگاه. سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، نشانه‌شناسی فرهنگی، تهران، انتشارات علم.

سعیدی، علی‌رضا (۱۴۰۰). چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۵۲۸-۵۱۷.

سو، آلوین (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نویسی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

صادقی، محمود (۱۳۹۲)، قرائن و شواهد اطلاعاتی در برآورد تهدیدات امنیتی مرتبط با جاسوسی صنعتی، فصلنامه امنیت دفاعی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.

گار، تدرابرت (۱۳۷۶). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گار، تدرابرت (۱۳۹۸). شورش سیاسی؛ علل، نتایج و بدیل‌ها، ترجمه سعید صادقی‌جقه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گیرو، پی‌یر (۱۳۸۲). رمزگذاری و رمزگشایی در مطالعات فرهنگی، ویراسته سایمون دورینگ، ترجمه شهریار وقفی‌پور و دیگران. تهران انتشارات نشر نی.

علیخانی، علی (۱۳۹۳). هشدارشناسی، دانشکده اطلاعات، معاونت پژوهش و تولید علم.
 محمدی‌لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳). آینده پژوهی ثبات سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 محمدی‌لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۰). سازمان‌های اطلاعاتی و ثبات سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۵۳، شماره ۱۷۴، پاییز ۱۳۹۰.
 محمدی‌لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۱). بهبود پیش‌بینی در تحلیل اطلاعاتی؛ مطالعه موردی بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۵۶.
 محمدی، علیرضا. دانایی، ابوالفضل. زرگر، سید محمد (۱۳۹۹). شناسایی و استخراج ابعاد و مولفه‌های پروپاگاندا در عملیات روانی رسانه‌ای (مورد مطالعه: اساتید دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر)، فصلنامه آموزش علوم دریایی، شماره ۲۲، صص ۲۰۳-۱۸۹، نوشهر: دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره).
 معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد یکم، انتشارات امیر کبیر.
 ناظرزاده کرمانی، فرهاد (۱۳۸۶). نمادگرایی در ادبیات نمایشی، انتشارات برگ.
 نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۵). سازمان‌های اطلاعاتی و حوزه تاثیر ملی، انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
 هارون الخلیفه، عمر (۱۳۸۸). روان‌شناسی و سازمان اطلاعاتی، انتشارات ابتکار دانش.
 هرمان، مایکل (۱۳۹۳). سازمان‌های اطلاعاتی و امنیت ملی، انتشارات دانشکده اطلاعات.

(ب) منابع خارجی

Graboo, Cynthia, (2010) Handbook of Warning Intelligence (Assessment the Threat to National Security), Forward by Jon Goldman.
 CISC: Criminal Intelligence Service Canada (2007), Strategic Early warning for Criminal Intelligence.
 Deangbuppha, Jaruwat, and Hamingtonnigel, & Wilkes Keith (2006), "Using Grounded Theory to Model Visitor Experiences at Heritage Sites Mythological and Practical Issues", Qualitative Market Research: an International Journal, 9 (4), 367-388.
 Tilly, Charles (1973) "Does Modernization Breed Revolutions?", Comparative Politics, Vol. 50, No. 3, pp. 425-447.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی